



سرایش؛ رسانه‌ی الکترونیک | ۴۰ صفحه

آبان ماه ۱۳۹۹ | سال اول | شماره ۴

اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل





سرایش؛ رسانه‌ی الکترونیک | ۴۰ صفحه

آبان ماه ۱۳۹۹ | سال اول | شماره ۴

تهیه شده در اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

آماده‌سازی محتوا: فروزان امیدی

تحریریه این شماره: حجت الاسلام و المسلمین دکتر حمید محمدی

محمد حسن نژاد | سجاد مالمیر | ندا آل طیب | شه‌تاو ناصری

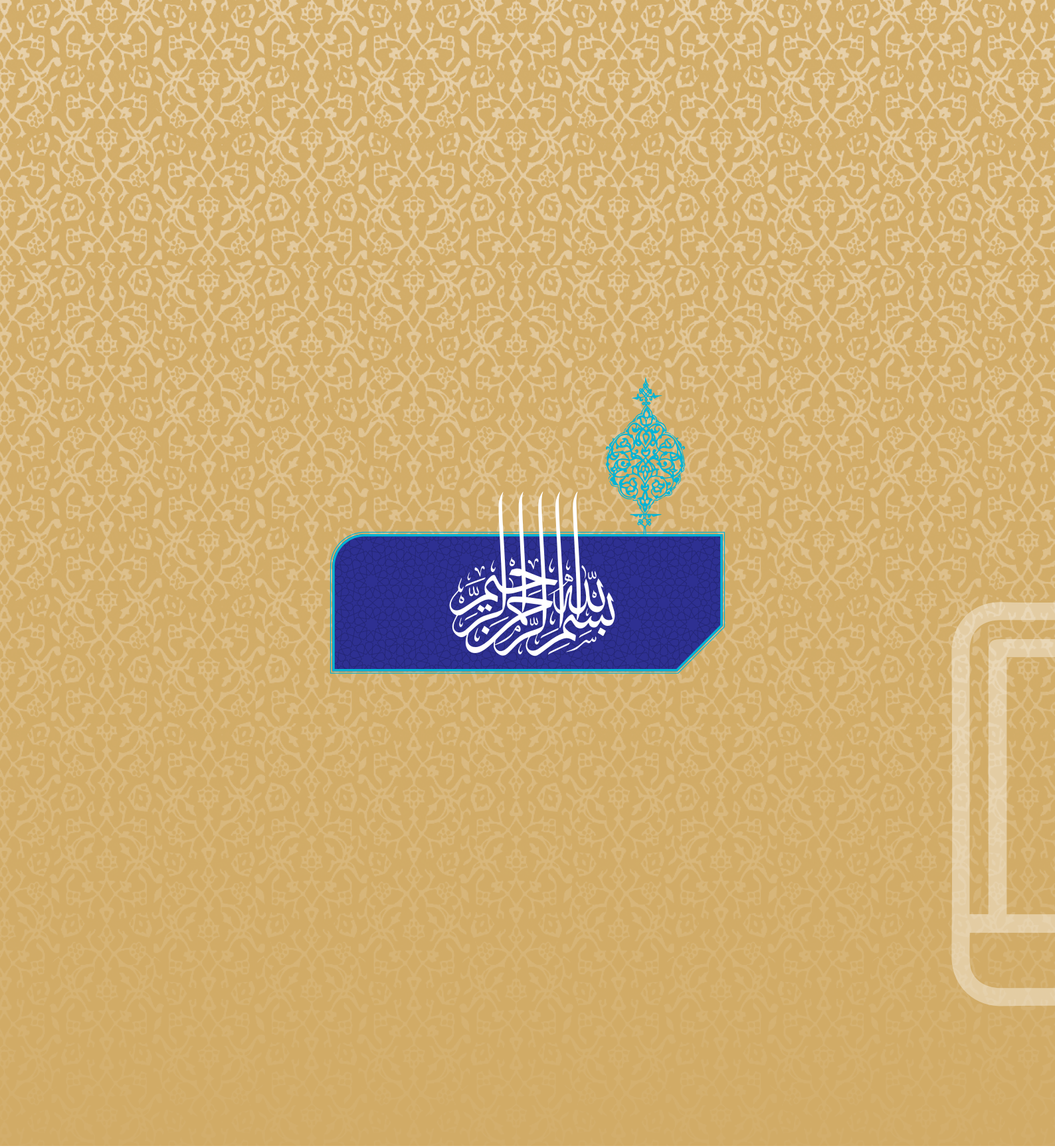
طراح گرافیک و صفحه‌آرا: مجتبی زند

کلیه حقوق مادی و معنوی این نشریه متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است.

نشانی: تهران | خیابان کریمخان | خیابان ایرانشهر

ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش | سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ | تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ | نامبر: ۸۸۳۰۹۲۶۵ | سایت: www.oerp.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



برای تحقق منطق و هدف انسان‌سازی،
آموزش و پرورش به عنوان لشکر
عظیم فرهنگی نیازمند زیر بنای
مستحکم و تحول بنیادی است.

سیدعلی خامنه‌ای
۱۱ شهریور ۱۳۹۹



فهرست

پیش‌نشست «مناسبات علم‌دینی و برنامه‌درسی آموزش و پرورش»	۴
علم‌نافع در گستره علم‌پژوهی	۱۶
تربیت ابزار رسیدن به توسعه در سند ۲۰۳۰	۱۸
طرح «بوم» فعال در آغاز راه است	۲۹
جشنواره فیلم رشد در یک نگاه	۳۲
راهکارهای پیوندیسیف‌به‌والدین برای ارتقای یادگیری دانش‌آموزان در دوران قرنطینه	۳۶



پیش نشست «مناسبات علم دینی و برنامه درسی آموزش و پرورش»

معاون وزیر آموزش و پرورش در پیش نشست کنفرانس مجازی «نقش معرفت دینی در علوم انسانی» موضوع «علم دینی و دلالت های آن در برنامه درسی» را تشریح کرد.

چهارمین پیش نشست از اولین کنفرانس مجازی بین المللی «نقش معرفت دینی در علوم انسانی؛ از گفتگو تا تأسیس علوم دینی» با همکاری سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تحت عنوان «مناسبات علم دینی و برنامه درسی آموزش و پرورش» یکشنبه ۱۳ مهرماه از ساعت ۱۰ تا ۱۲ به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد.

در این پیش نشست دکتر حسن ملکی استاد تمام دانشگاه علامه طباطبایی، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دکتر حمید پارسا دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دکتر محمد فتحعلی خانی استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به بیان نظرات خود پرداختند.

در ابتدا حجت الاسلام رضا ملایی دبیر علمی این پیش نشست ضمن معرفی سخنرانان گفت: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه متناسب با نیاز علوم انسانی امروز کشور و فضای کشور به لحاظ شیوع ویروس کرونا، قصد برگزاری کنفرانس مجازی «مناسبات علم دینی در علوم انسانی از گفتگو تا تأسیس» را در آبان ماه دارد. در همین راستا تا بحال چند پیش نشست برگزار شده و این چهارمین پیش نشست است. پیشنهاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه این بود که یک پیش نشست هم در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی برگزار شود.

وی ادامه داد: ما اکنون درگیر تدوین راهنماهای برنامه درسی هستیم که سیاست گذاری فکر و اندیشه در فضای آموزش و پرورش است و از سوی دیگر مقوله علم دینی مقوله ای است که در تمامی حوزه تربیت و یادگیری



دکتر حسن ملکی
رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی





تأثیرگذار است؛ به همین منظور پیش نشست‌ها را تحت عنوان "مناسبات دینی و برنامه درسی آموزش و پرورش" با دعوت از سه استاد بزرگوار که دغدغه مند علم دینی بودند و آثار مهمی را منتشر کرده اند؛ تدارک دیدیم.

آغاز سخنرانانی توسط دکتر ملکی

در ابتدا دکتر ملکی درباره مفهوم علم دینی چنین توضیح داد: راجع به علم دینی معانی و مصادیق مختلفی در منابع مختلف مطرح شده است. گاهی گفته شده علم دینی علمی است که با ایمان تلازم داشته باشد. تلازم بین ایمان و علم، شکل دهنده علم دینی است. برخی دیگر معتقدند که علم دینی یک علم تأسیسی است و بر پایه‌ی پیش‌فرض‌های فلسفی و اعتقادی می‌توان علم دینی را پدید آورد.

برخی نیز اعتقاد دارند که علم دینی از ارائه فرضیه‌ها براساس ارزش‌ها و باورهای دینی و انجام یک کار تجربی بر روی آن فرضیه‌ها و رسیدن به مجموعه‌ای از گزاره‌ها پدید می‌آید و ما باید آن گزاره‌ها را علم دینی تلقی کنیم.

عده‌ای هم اعتقاد دارند که علم دینی همان تهذیب علم موجود است. یعنی اگر علمی که وجود دارد را مهندب کنیم و آن مواردی که با ارزش‌های دینی مغایر و متضاد است را پیرایش کنیم و بزدااییم، علم دینی به وجود می‌آید.

یک دیدگاه هم این است که علم دینی همان علم نافع است. یعنی اگر بتوانیم علم نافع را پیدا و بدون کنیم و بر پایه علم نافع، تعلیم و تعلم نافع را ارائه بدهیم، ما در مسیر علم دینی حرکت می‌کنیم.

وی افزود: احتمالاً دیدگاه‌های متعدد دیگری هم در جغرافیای مفهومی علم دینی مطرح است، اما مطلبی که بنده می‌خواهم ارائه بدهم آن دیدگاهی است که می‌گوید علم دینی بر پایه علم نافع مطرح می‌شود. لذا اگر بخواهم عنوانی برای عرایض خودم مطرح کنم، آن عنوان "علم دینی و دلالت‌های آن بر برنامه‌های درسی" است. بیشتر مایل هستم در موقعیتی که در آن قرار داریم کمی کنم. همکاران بنده با یک مدیریت جهادی مشغول تدوین برنامه‌های درسی تحولی هستند و شاید این عرایض بنده بتواند از این منظر به این کار مهم کمک کند.

علم نافع در قرآن

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی درباره علم نافع عنوان کرد: نفع در لغت به معنای فایده، بهره و خیر است. یعنی وسیله‌ای که انسان را به مطلوبش برساند. در حقیقت در مقابل یک لغت دیگر به نام ضرر قرار می‌گیرد. این واژه و مشتقات آن حدود ۱۷ بار به اشکال گوناگون در قرآن کریم به کار رفته است و ما نفع مادی، نفع معنوی و نفع آخرتی را در آیات متعدد قرآن ملاحظه می‌کنیم. بنابراین وقتی ما از نفع صحبت می‌کنیم باید توجه کنیم که نفع گسترده‌ی وسیعی دارد. ما این جغرافیا را باید در کارمان مد نظر قرار بدهیم و احتمالاً در برنامه‌های درسی هم همین نگاه را باید داشته باشیم.



دسته بندی علوم نافع

دکتر ملکی در ادامه سه دسته از علوم نافع را برشمرد و گفت: علم نافع علمی است که در زندگی فردی و اجتماعی فایده و خیر داشته باشد و در نیل به هدف‌ها یاری رساند. در واقع علم نافع ما را باید در نیل به هدف‌ها یاری کند. حال براساس این‌که آن هدف چه باشد، طبیعتاً مصداق علم نافع هم متفاوت می‌شود. ما بر این اساس می‌توانیم سه دسته علوم نافع را نامگذاری و مطرح کنیم. یک سری علوم نافع دنیوی هستند که این علوم می‌توانند در بهره‌مندی افراد جامعه از دنیا مفید باشند. خیلی از علوم که ما یاد می‌گیریم از جمله علم پزشکی یا علم ژنتیک، علوم نافع در بهره‌مندی افراد جامعه از دنیا هستند. نوع علمی که ما آن‌ها را یاد می‌گیریم می‌توانند مصداقی از علوم نافع دنیوی باشند.

رئیس سازمان پژوهش در تعریف علوم نافع اخروی بیان کرد: این‌ها علمی هستند که در راستای تعالی معنوی و به کمال رسیدن افراد کمک می‌کنند و در حیات اخروی مفید واقع می‌شوند. این علوم عبارت است از اصول، اعتقادات و باورهایی که از طریق تعلیم و تربیت دینی به ما آموخته می‌شود و نوعاً هم مربوط به این می‌شود که ما طوری زندگی کنیم تا در عالم آخرت نزد خدا آبرو کسب کنیم. هر علمی که این اثر را داشته باشد علم نافع اخروی است.

وی افزود: علوم نافع در دنیا و آخرت سومین دسته است. این‌ها علمی هستند که در رفع نیازهای دنیوی با نیت خدمت به خلق خدا و رضای الهی تعلیم و تعلم می‌شوند. این‌جا دیگر بحث انگیزه مطرح می‌شود. یعنی ما در هر جایی که علم یاد می‌گیریم یا تعلیم و تعلم می‌کنیم، اگر با نیت خیر و با نیت رضای الهی و خدمت به خلق خدا باشد، این علوم می‌شوند علوم دنیوی اخروی. در دنیا انجام می‌شوند ولی چون با نیت خیر صورت می‌گیرند طبیعتاً به آن‌ها اخروی هم می‌توان گفت.

دکتر ملکی ادامه داد: بین این تقسیم‌بندی‌ها یک حالت اصطلاحاً بتن آرمه‌ای وجود ندارد. یعنی وقتی علوم نافع اخروی را یاد می‌گیریم، آن‌ها آثار دنیوی و مادی هم دارند ولی معطوف به حیات اخروی هستند و در آنجا برای ما مفید خواهند بود.

جایگاه علم دینی در اندیشه اسلامی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی درباره جایگاه علم دینی در اندیشه اسلامی عنوان کرد: رسول خدا (ص) می‌فرماید: "اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع". به عبارت "انی اعوذ بک" عنایت کنید. ما معمولاً از شر شیطان به خدا پناه می‌بریم، اما علم غیر نافع چه ضرری دارد که ما در این دعا از واژه‌ی اعوذ بک استفاده می‌کنیم؟ معلوم می‌شود علمی که نفعی ندارد می‌تواند خاستگاه یک سری برنامه‌های ابلیسی هم باشد به دلیل آنکه همچون ابلیس از شر آن به خداوند پناه می‌بریم. امام علی (ع) هم چنین بیانی در نهج‌البلاغه دارند که می‌فرمایند: لا خیر فی علمٍ لا ینفع" (در علمی که نفعی ندارد خیر و فایده‌ای نیست).



دیدگاه صاحب‌نظران اسلامی نسبت به علم نافع

دکتر ملکی در ادامه چند دیدگاه از صاحب‌نظران اسلامی را نسبت به علم نافع مطرح کرد. وی اظهار داشت:

حضرت آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند: "هر علمی نافع است ولی عظمت علم از معلوم مشخص می‌شود. علم اصول دین از برترین علوم است ولی وقتی کاملاً نافع است که همراه عمل باشد." ایشان تأکیدشان بر این است که علت اصول دین با آن عظمتش اگر همراه عمل نباشد از مصادیق علم نافع نیست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: "دنبال علمی باشیم که برای کشور لازم و نافع باشد، نه فقط برای حال کشور بلکه برای ۱۰ سال بعد یا ۲۰ سال بعد کشور. ممکن است ما در ۲۰ سال آینده یک نیازی داشته باشیم که از امروز تحقیقات آن باید شروع شود." شهید مطهری نیز می‌فرمایند: هر علمی که متضمن فایده و اثری باشد و آن فایده و اثر را اسلام به رسمیت بشناسد و آن اثر را مفید و خوب بداند، آن علم مورد نظر و مورد توصیه و تشویق اسلام است." مرحوم علامه طباطبایی هم علم نافع را علمی می‌داند که انسان را در مسیر کمال یاری کند.

علم نافع در سفر زندگی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت: زندگی یک سفر است. از زمانی که ما در یک سنی قرار می‌گیریم و تکلیف الهی بر ما مترتب می‌شود و ما راه را آغاز می‌کنیم، یک مبدأ سفر داریم، یک راه سفر داریم و یک مقصد سفر داریم. در مبدأ سفر، خودشناسی، خداشناسی، خلقت‌شناسی و دیگرشناسی و ارتباطات انسانی بسیار اهمیت دارد. در سینی که دانش‌آموزان حضور دارند، خودشناسی تا یک حدی باید به آن‌ها آموخته شود و زمینه فراهم شود، چون تا خودشناسی نباشد نمی‌توانند این مسیر را بپیمایند. همچنین شناخت خدا، شناخت خلقت و شناخت انسان‌های دیگر هم اهمیت دارد.

دکتر ملکی ادامه داد: ما باید چه کار کنیم که در برنامه‌های درسی‌مان به خودشناسی کمک کنیم؟ استحضار دارید که در احادیث ما از معرفت نفس به عنوان "انفع المعارف" نام برده شده است، یعنی نافع‌ترین علوم معرفت به خود است. من مواردی که به این موضوع مربوط باشد را در کتاب‌های درسی، مخصوصاً در کتاب‌های معارف اسلامی دیده‌ام، اما نکته این است که ما این موضوع را چگونه مطرح و سازماندهی کنیم که خودشناسی جای خودش را باز کند. در ارتباط با خداشناسی که همایش ما هم خیلی به آن ارتباط پیدا می‌کند، محتواهای ما باید خدا محور باشند. محتوای خدا محور هم محتوایی است که بتواند بر محوریت علم دینی مبتنی شود.

وی افزود: ما در راه سفر وارد متن زندگی شده‌ایم. مرادم از راه سفر یعنی متن زندگی. در این راه که دانش‌آموز به عنوان یک شهروند موثر و مفید وارد زندگی شده است باید از جامعه اسلامی رفع موانع شود. حال این موانع کدام موانع است؟ ممکن است موانع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا جمعیت‌شناسی باشد. این مسئله‌ها باید در متن برنامه‌های درسی ما به نوعی درآمیخته شود.



دکتر ملکی خاطر نشان کرد: مسئله‌ی پیری جمعیت یک مثال عینی برای این موضوع است که اگر مراقب نباشیم به یک مانع تبدیل می‌شود. اعتقادات صحیح یک مسئله دیگر است. ما اعتقادات صحیح را از طریق دروس معارف اسلامی آموزش می‌دهیم، اما نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که ما این اعتقادات را چقدر، چگونه و از چه منبعی باید بهره‌برداری کنیم که این اعتقادات کمک کند تا دانش‌آموز به یقین دست پیدا کند؟ موضوع نیت خالص هم یک موضوع دیگر است. ما اعتقاد داریم که اگر افراد دارای نیت خالص باشند، در زندگی دنیوی می‌توانند اصطلاحاً دنیوی اخروی زندگی کنند. ما باید به تزکیه نفس آن‌ها کمک کنیم، که در اینجا نقش معلم به‌عنوان فردی که برای تزکیه نفس از طریق برنامه‌های درسی زمینه‌سازی می‌کند مهم است. اگر ما این موضوعات را در طول سفر زندگی مد نظر قرار بدهیم و اصلاح کنیم، می‌توانیم به علم نافع دست پیدا کنیم.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در پایان صحبت‌های خود گفت: وقتی از علوم نافع و برنامه درسی حرف می‌زنیم باید بدانیم: (۱) علوم نافع مادی و برنامه درسی کدام علوم هستند؟ (۲) علوم آخرتی و برنامه‌های درسی کدام علوم هستند؟ (۳) علوم نافع در دنیا و آخرت و برنامه‌های درسی کدام علوم هستند؟ شاید نیاز باشد که دوستان در شوراهایی که تشریف دارند از این زاویه وارد شوند، مورد بحث قرار بدهند و ان شاءالله به جاهای شفاف‌تری برسند.

جمع‌بندی ابتدایی سخنان توسط دکتر ملائی

در ادامه حجت الاسلام رضا ملائی، رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه تربیت و یادگیری قرآن و معارف اسلامی دیدگاه دکتر ملکی در رابطه با علم دینی را جمع‌بندی کرد. دبیر علمی این نشست گفت: دکتر ملکی برای علم دینی سه مشخصه ذکر کردند. نخست این‌که علم دینی آن علمی است که در خدمت اهداف دینی قرار بگیرد، دوم آن‌که علم دینی باید متکی بر منابع دینی باشد و سوم این‌که علم دینی آن علمی است که پیش‌فرض‌های دینی را در علم دخالت ندهد.





ارائه رابطه نظری دین و علم توسط دکتر فتحعلی خانی

سپس دکتر محمد فتحعلی خانی استادیار پژوهشگاه حوزه سخنان خود را این گونه آغاز کرد: عنوان مطلبی که من تحلیل می‌کنم "بازتاب تعامل نظری و عملی دین و علم در آموزش و پرورش" است. یک تعامل متقابل بین علم و دین در حوزه نظر و حوزه عمل وجود دارد که اگر به آن توجه شود آموزش و پرورش جهت‌گیری و سمت و سوی متفاوتی را خواهد داشت.

وی افزود: من قبلاً درباره‌ی رابطه‌ی نظری علم و دین در یک همایش دیگری که به همت دوستان ما در آموزش و پرورش و با همراهی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم انجام گرفت مطالبی را عرض کردم و مقاله‌ای را منتشر کردم که بیشتر ناظر به فرمایشات حضرت آیت‌الله جوادی آملی در موضوع علم دینی بود. آنچه مورد نظر بود این بود که بین معرفت دینی و معرفت عقلی و به طور خاص معرفت علمی، یک داد و ستد و رابطه متقابل وجود دارد.

دکتر فتحعلی خانی گفت: آنچه که من از "تعامل نظری علم و دین" تعبیر کرده‌ام این است که ما این دو و به طور خاص متون دینی را منبع معرفت‌زا می‌دانیم. این را براساس مبانی کلامی که داریم اثبات می‌کنیم. ما یک تلقی از وحی داریم و وحی را انتقال معرفت و معرفت‌زا می‌دانیم که اختصاص به پیامبر و معصومین (ع) دارد. بنابراین وحی موجب معرفت است، معرفتی که حیثیت حضوری دارد و مواجهه مستقیم با واقعیت است. این وحی وقتی در قالب گفتار و نوشتار درمی‌آید و از طریق متون دینی به مخاطبان دین منتقل می‌شود، از حوزه‌ی علم حضوری به حوزه‌ی علم حصولی منتقل می‌شود.

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بیان کرد: بنابراین ما معتقدیم که متون دینی معرفت حصولی را در اختیار مخاطبان دین قرار می‌دهد، که البته باید با روش‌شناختی‌هایی که صورت می‌پذیرد و تحقیقاتی که در حوزه روش‌شناسی صورت می‌گیرد، روش تحصیل علم از طریق متون دینی را دریابیم. ما از آن طرف هم قائل به این هستیم که عقل علی‌الاصول قادر به معرفت نسبت به موضوعات است و می‌تواند موضوعاتی را که در قلمرو عقل قرار می‌گیرد را بکاود و درباره‌ی آن‌ها به داوری برسد. البته این داوری به شیوه‌ای روش‌مند و عقلانی صورت می‌گیرد. پس همه انسان‌ها دارای قوای مشترکی هستند که اگر آن‌ها را به کار بگیرند و از اصول به کارگیری آن‌ها تبعیت کنند می‌توانند معرفت پیدا کنند.

وی افزود: پس متون دینی از یک سو منبع معرفت است. قوای عقلی ما هم با روش‌های مختلفی که در علوم طبیعی، علوم انسانی، علوم اجتماعی و فلسفه وجود دارد به ما معرفت می‌دهند.

رفع تعارض بین علم و دین

محمد فتحعلی خانی خاطر نشان کرد: فراتر از همه‌ی این گونه‌های مختلف دانش، علم و معرفت؛ یک الزام عقلی وجود دارد که آن عبارت است از اینکه معرفت انسان‌ها با همدیگر باید در انسجام و سازگاری باشد. یعنی نمی‌شود شما یک روش را روش معرفت‌زا بدانید ولی نتایج آن با یک روش دیگری که آن را هم معرفت‌زا می‌دانید، در تعارض قرار بگیرد. بحثی که تحت عنوان



تعارض علم و دین مطرح می‌شود هم در همین چارچوب است. یعنی اگر ما دین را معرفت‌زا می‌دانیم و عقل را هم معرفت‌زا می‌دانیم، قاعدتاً این دو نباید با هم در تعارض باشند. وی افزود: اما اگر به موردی از تعارض برخورد کردیم؛ چه کنیم؟ در این جهت نظریات مختلفی پرداخته شده است. از جمله اینکه در قرون وسطی برخی قائل بر این بودند که هم آن‌چه که دین می‌گوید در جایگاه خودش درست است و هم آن‌چه علم، عقل و فلسفه می‌گوید در جای خود پذیرفتنی است و واجب است که پذیرفته شود. این نظریه گرچه نظریه قابل اعتنایی نیست ولی در روزگاری طرفدارانی داشته است. به این نظریه می‌گفتند نظریه حقیقت دوگانه یا حقیقت مضاعف. فتحعلی‌خانی اظهار داشت: برخی دیگر عقل‌گرایی افراطی را پیشنهاد می‌دهند. یعنی می‌گویند اگر تعارضی بین آموزه‌های برگرفته از متون دینی و آموزه‌های برگرفته از گونه‌های مختلف دانش برقرار شد، تعارض را این‌گونه رفع می‌کنیم که همیشه جانب عقل را مقدم می‌داریم. اگر این نظریه بخواهد پذیرفته شود یعنی دین همیشه ناگزیر است که تابع علم و فلسفه باشد. اما اگر ما وجوه دینی را معرفت‌زا بدانیم و روش‌های دریافت معرفت از متون دینی را به لحاظ فلسفی تثبیت کرده باشیم، این نظریه پذیرفتنی نیست. این‌ها هر دو در یک نقطه هستند و باید یکدیگر را تعدیل کنند؛ نمی‌شود که همیشه علم و فلسفه را مقدم بدانیم. وی گفت: کسانی هم هستند که از جانب مقابل به سمت تفریط یا افراط دیگری رفته‌اند و بر این باور هستند که همیشه دین باید یافته‌های عقل را مدیریت کند. این هم پذیرفتنی نیست، چون فرض ما این است که عقل خودش مهمترین منبع معرفت است و چنانچه که ما عقل را از حیثیت خودش تنزل بدهیم اساساً دست یافتن به دین و معارف دینی هم تعطیل می‌شود. ما با کمک و مدد عقل است که به دین و معارف دینی دست پیدا می‌کنیم و به آن‌ها ایمان می‌آوریم. فتحعلی‌خانی با بیان این‌که سه نظریه یاد شده هیچ‌کدام قابل قبول نیستند و ما نظریه چهارم را باید بپذیریم، درباره‌ی این نظریه گفت: نظریه‌ی چهارم همان نظریه‌ای است که من از آن به نظریه تعامل معرفت علمی و معرفت دینی تعبیر کردم. به نظر می‌آید این نظریه معقول‌ترین دیدگاه در مباحث مربوط به تعارض علم و دین است. این نظریه می‌گوید که چنانچه علم و دین به یک معرفت واحد نرسیده باشند این دو باید با همدیگر مناسبات متقابلی را برقرار بکنند و همدیگر را تعدیل کنند و برای همگرا شدن به سمت معرفت واحد تشریک مساعی کنند. به این می‌گویند تعامل نظری علم و دین.

رابطه عملی بین علم و دین

محمد فتحعلی‌خانی پس از تشریح رابطه نظری علم و دین، بیان کرد: در مقام عمل هم بین علم و دین تعاملاتی وجود دارد. وقتی ما از عقلانیت نظری به عقلانیت عملی رجوع می‌کنیم به یک معنا داریم پای هر جهان‌بینی و هر مجموعه ارزش‌شناختی را باز می‌کنیم که آن مجموعه به ما می‌گوید چه عمل‌هایی با چه اهدافی قابل پیگیری است. عمل همیشه هدفمند است و علم نفعی که جناب استاد ملکی گفتند همیشه در همین جا وارد می‌شود. وقتی یک نظام ارزشی به ما ارزش‌هایی را می‌دهد در واقع سمت و سوی عمل ما را تعیین می‌کند و عقلانیت عمل ما از آن جهت رابطه عملی بین علم و دین را برقرار می‌کند، چون دین نظام ارزشی دارد.





استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه خاطر نشان کرد: دین واجد جهان‌بینی است و مسئله مهم این است که جهان‌بینی‌ها دو کار را انجام می‌دهند؛ یکی این‌که به ما راهنمایی می‌کنند تا علمی را سامان بدهیم و محقق کنیم که در پشت آن جهان‌بینی وجود داشته باشد و این علم متناسب با آن جهان‌بینی باشد و در عین حال همین جهان‌بینی و همین نظام ارزشی به ما سبک زندگی بدهد. این‌جا نقطه عملی بین علم و دین است، چون هر دوی این‌ها با تناسب جهان‌بینی‌هایی که در پشتوانه‌ی خودشان دارند به ما علم و سبک زندگی می‌دهند.

تقابل جهان‌بینی مادی با جهان‌بینی الهی

فتحعلی‌خانی عنوان کرد: اکنون که هم علم و هم جهان‌بینی برخاسته از دین این ویژگی را دارند که به ما انتقال جهان‌بینی، معنا و ارزش بدهند، چنانچه آموزش و پرورش بر اصلاح سبک زندگی متمرکز شود یک رقیبی برای آموزگار فراهم کرده است. در واقع آن‌که نظام جهان‌بینی و ارزشی خاصی را آموزش و انتقال می‌دهد در قبالتش با تغییر سبک زندگی با یک آموزگار رقیب مواجه می‌شود. البته این ممکن است ما را به نوعی تقابل و تعارض رهنمون کند ولی توجه داشته باشید که در وضعیت کنونی آموزش و پرورش ما این تقابل وجود دارد و ما ناچار یک دوشخصیتی را داریم به دانش‌آموز خودمان منتقل می‌کنیم. یعنی از طریق آموزش علوم به خصوص علوم پایه داریم جهان‌بینی مادی و تجربه‌گرا را منتقل می‌کنیم و از طریق تعلیمی که در دروس دینی و درس فارسی و ادبیات کلاسیک انتقال می‌دهیم هم یک جهان‌بینی متفاوت را عرضه می‌کنیم که جهان‌بینی الهی است.

وی افزود: این تقابل همین‌الآن هم وجود دارد، منتها از طریق دو تریبونی که یکی از آن‌ها دارد این جهان‌بینی را به صورت ناخودآگاه انتقال می‌دهد که همان آموزش‌های علوم پایه است و مؤثرتر است و دیگری به طور مستقیم گفت‌وگو می‌کند. در واقع این‌ها دو رقیب هستند که هر دو جهان‌بینی و نظام ارزشی خاصی را به صورت ناخودآگاه و به صورت ضمنی آموزش می‌دهند. این نوع تعلیم رسوخ بیشتری در اذهان دارد و منجر به این می‌شود که در درون آن‌گیرنده واحد که دانش‌آموز یا دانشجو است به تدریج رابطه‌ی تبدیلی بین این دو جهان‌بینی برقرار شود. یعنی این‌ها یکدیگر را انتقاد کنند. انتقاد این جهان‌بینی نسبت به آن جهان‌بینی و انتقاد آن جهان‌بینی نسبت به این جهان‌بینی.

دکتر فتحعلی‌خانی در پایان سخنان تأکید کرد: اگر نقطه توجه آموزش‌ها و دروس ما به سمت تغییر و تصحیح سبک زندگی قرار بگیرد، امکان تعامل نظری و عملی بین معرفت دینی و معرفت علمی برقرارتر خواهد شد و امید به همگرایی بیشتر فراهم می‌شود.

جمع‌بندی سخنان دکتر فتحعلی‌خانی

در ادامه حجت‌الاسلام ملائی گفت: دو نکته فوق‌العاده مهم در بیان فتحعلی‌خانی وجود داشت. نکته‌ی اول این است که علم دینی آن علمی است که محصول سازگاری فهم روش‌مند از دین و فهم روش‌مند تجربی یا فهم روش‌مند عقلی است. بنابراین در آن حوزه‌ای که تعارض بین فهم دینی با فهم عقلی یا فهم تجربی به وجود بیاید، باید به قاعده‌ای که این تعارض را حل خواهد کرد، رجوع کنیم. دبیر علمی این نشست افزود: نکته دوم که اتفاقاً نکته بسیار مهمی هم هست این است که



در ساحت آموزش و پرورش دو جهان بینی در حالت انتقال به یک گیرنده (دانش آموز) است. یک جهان بینی از طریق دروس تعلیمات دینی و دروس فارسی به تسریع انتقال داده می شود و یک جهان بینی هم از طریق دروس علوم پایه مثل علوم تجربی و ریاضیات به تلویح و به شکل پنهانی انتقال داده می شود. این دو جهان بینی که یکی از آن ها جهان بینی برآمده از تفکر مدرن و دیگری جهان بینی برآمده از تفکر دینی است در گیرنده واحد ایجاد تعارض خواهد کرد و دانش آموز خودش را بین این دو جهان بینی دچار تعارض و ناسازگاری خواهد دید. باید برای این تدبیر اندیشید. طبیعتاً تدبیر این کار هم رفتن به سوی علم دینی در حوزه های مختلف تربیت و یادگیری است. حجت الاسلام ملائی گفت: برداشت من از راه حل آقای دکتر فتحعلی خانی برای این که علم دینی بسط پیدا کند این است که سبک زندگی تغییر پیدا کند. یعنی به جای این که تغییر را از ناحیه علم شروع کنند و به سمت سبک زندگی بروند، تغییر را از ناحیه سبک زندگی شروع خواهند کرد تا یک بستری برای ظهور علم دینی به وجود بیاید.

شاخص علم نافع از نگاه دکتر پارسانیا

دکتر حمید پارسانیا دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیز گفت: جناب آقای دکتر ملکی شاخصی را برای علم دینی مطرح کردند که آن نافع بودن علم دینی است. به نظر من شاخص مهمی است، منتها این شاخص اگر بخواهد دنبال شود با دیگر شاخص هایی که نسبت به این موضوع بیان می شود ربط پیدا می کند. آنچنان که آقای دکتر فتحعلی خانی بیان کردند، قاعدتاً در نظام آموزش ما دو علم با دو نوع جهان بینی القا می شود. یکی عیان و آشکار است و به بستر فرهنگی جامعه باز می گردد که همان دروس مربوط به حوزه فرهنگی است و دیگری هم علوم پایه یا علوم اجتماعی است. این ها یک نوع جهان بینی را دارند القا می کنند که این مسئله خودش با مسئله نفع ربط پیدا می کند. یعنی جهان بینی که فقط دنیوی می بیند و این جهان را مستقل از جهان دیگر تفسیر می کند، با نفع به معنای دینی و معنوی ناسازگاری پیدا می کند. در واقع می خواهم بگویم که ما حتی معیار علم نافع را با معنایی که از نافع داریم بیان می کنیم. پارسانیا افزود: جناب آقای دکتر فتحعلی خانی فرمودند که از متون دینی هم نوعی بهره وری و استفاده داشته باشیم، اما خود همین مسئله هم ممکن است با معیار نفع و نافع بودن نوعی تداخل داشته باشد. گاهی شما علم را به گونه ای معنا می کنید که معرفتی که متون دینی القا می کنند را اصلاً معرفت علمی نمی دانید و استفاده و تعامل علم با متون دینی را نفی می کنید و یا چارچوب بسیار مقیدی را برای آن بیان می کنید که هویت دینی بودنش دیگر نقشی ندارد که بخواهد با علم ارتباطی داشته باشد. این مسئله ممکن است به حوزه فرهنگی آسیب برساند. یعنی شما بخواهید یک جامعه ای داشته باشید که نفع را نفع اخروی معنا کند و بگوید ما نافع اخروی هم داریم و بعد نظام علمی شما بگوید اصلاً مفهوم اخروی یک مفهوم ایدئولوژیک است و اصلاً این ها مفاهیم علمی و واقع نما نیستند و این ها برساخت هستند و فقط یک نوع هویت فرهنگی دارند. در اینجا هم معیار نافع بودن با سایر معیارها تداخل پیدا می کند. بنابراین معیارهای مختلفی برای رابطه علم و دین مطرح می شود که اغلب این معیارها با همدیگر نوعی هماهنگی و تداخل هم دارند.





موضوع‌گیری آموزش و پرورش نسبت به رابطه علم و دین

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بیان کرد: بحث نسبت میان علم و دین محل گفت‌وگوهایی جدی در مباحث علمی و دینی است و حتی آن‌هایی که با ارتباط این دو مخالفت می‌کنند نوعی موافقت خودشان را دارند اظهار می‌کنند. یعنی دارند یک موضوع خاصی را بیان می‌کنند. یعنی حتی اگر حوزه علم را کاملاً از حوزه دین منفک در نظر بگیرند و اجازه تعامل بین این دو را ندهند، آن‌ها هم به نوعی به رابطه خاص علم و دین معتقد هستند، منتها رابطه سلبی برقرار می‌کنند و اجازه نمی‌دهند رابطه ایجابی برقرار شود.

وی تأکید کرد: ما نسبت به رابطه‌ی علم و دین ناگزیر هستیم که یک نوع موضوع‌گیری داشته باشیم. نظام آموزشی ما نمی‌تواند نسبت به این مسئله بی‌توجه و خنثی باشد. این مباحث هر طرفش، طرف دارد و استدلالی دارد. یعنی در هر مبحثی ممکن است برخی با نظر شما مخالف باشند. بنابراین نظام آموزش و پرورش ما نمی‌تواند نسبت به این مسئله موضعی نداشته باشد و بگوید من بدون این موضوع می‌خواهم برنامه آموزشی خودم را داشته باشم. نظام آموزش و پرورش باید یک موضع شفاف و روشن در این زمینه داشته باشد. در اسناد مربوط به تحول آموزش و پرورش و اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش و نظام علمی نوعاً این موضوع‌گیری بیان و اظهار می‌شود.



حمید پارسانیا اظهار داشت: مهم این است که ما در درون نظام آموزشی بدون مواضع نظری نمی‌توانیم وارد شویم و بعد باید اقدامات متناسب با آن مواضع نظری را سامان بدهیم. خلأیی که فکر می‌کنم در برنامه‌ی درسی آموزش و پرورش وجود دارد این است

که این مواضع به صورت شفاف و گویا بیان نمی‌شود. عرض من این نیست که ما می‌توانیم یک نظریه‌ی خاصی را کاملاً مبنا قرار بدهیم و بگوییم یک حرفی را تا نهایت گفته‌ایم. ممکن است افراد یک نظر خاصی را داشته باشند و لوازم یک حرفی را تا آخر قبول کرده باشند که حتماً هم این گونه است، اما این مسئله اگر بخواهد در یک برنامه درسی و یک نظام آموزشی و اجتماعی محقق شود نوعی اجماع می‌خواهد. یعنی مستلزم نوعی حرکت برای هماهنگ کردن، گفت‌وگو کردن و پیش رفتن در این زمینه است. لذا در درون آموزش و پرورش ما باید یک گفت‌وگوهای زنده و مستمر برای شفاف کردن این مسئله و به تصمیم رسیدن و اصلاح کردن تصمیم‌های قبلی و گام پیش گذاشتن نسبت به مسئله وجود داشته باشد. این یک نکته مهم است. فقط مسئله ما هم نیست و جهان مدرن به طور کلی به آن پرداخته است.



درک درست از تعریف علم و دین

پارسانیا ادامه داد: یکی از مسائلی که در تأثیرگذاری بین علم و دین و نسبت بین آن‌ها خودش را نشان می‌دهد و تعیین‌کننده است، تعریف خود علم و تعریف خود دین است. البته منظورم وضع اصطلاح نیست، بلکه منظورم فهم ما از حقیقت دین و علم و تصدیق این مسئله است. یعنی ببینیم دین چیست و چه چیزی را علم می‌بینیم. ما حقیقت دین و علم را درک کنیم بعد می‌توانیم وارد روابط میان آن‌ها شویم. من فکر می‌کنم نظام آموزشی ما اگر می‌خواهد برنامه‌ریزی درستی داشته باشد و ناآگاهانه وارد مسائل نشود باید اتخاذ موضع کند که چه چیزی را علم می‌داند و برداشتش از دین چیست. بنابراین ما در قدم اول باید تعریف و حقیقت علم و دین را درک کنیم تا بعد در ذیل تعریفی که ما از علم می‌کنیم مسائل بعدی از جمله علوم شکل بگیرد.

تفاوت Science با humanities

دکتر پارسانیا در ادامه به تقسیم‌بندی علوم پرداخت و گفت: ما در کمتر از ۱۰۰ سال اخیر واژه علم را معادل Science قرار داده‌ایم. خود Science هم از نیمه دوم قرن ۱۹ به بعد یک مفهوم کاملاً جدید و خاصی پیدا کرده است و این مفهوم در کشورهای اسلامی هم بسط پیدا کرده و لغت علم را تصرف کرده است. از این رو الآن واژه‌ی علم در نظام آموزشی معادل Science در نظر گرفته می‌شود و به دنبال آن تقسیم‌بندی حوزه‌های آکادمیک و رسمی آموزش و پرورش و آموزش عالی ما متناسب تعریف Science تقسیم‌بندی می‌شوند.

وی افزود: یک حوزه‌ای از دانش‌های ما انسانیات (humanities) هستند. یعنی علم نیستند. هنر، کتاب دینی، حقوق و ادبیات فارسی humanities هستند. یعنی انسانیات هستند و انتقال فرهنگ را برعهده دارند. اگر با تقسیم‌بندی جهان مدرن همراه شویم حتی فلسفه و متافیزیک هم humanities هستند. لذا دانشکده ادبیات و علوم انسانی ما humanities است. Science همان دانشکده علوم است که شامل علوم محض و دروسی نظیر زیست، فیزیک و ریاضی و همین‌طور علوم کاربردی هستند که دانشکده‌های فنی و مهندسی، داروسازی و پزشکی بیشتر جنبه‌های کاربردی دارند. یک حوزه دیگر Science هم داریم که Social science (علوم اجتماعی) است و حوزه‌های روان‌شناسی و مشابه آن را در بر می‌گیرد. این‌ها هم علم هستند. ویژگی علم این است که باید تجربی و آزمون‌پذیر باشد. تفاوت علوم اجتماعی با علوم طبیعی هم در این است که علوم اجتماعی موضوع‌شان انسانیات و متن حیات انسان‌ها است.

دکتر پارسانیا با اشاره به این‌که نظام علمی ما براساس این تقسیم‌بندی کار می‌کند، خاطر نشان کرد: این تقسیم‌بندی کاملاً مدرن است. یعنی در طول تاریخ یک چنین تقسیم‌بندی سابقه نداشته است. این تقسیم‌بندی همچنین متأثر از یک مبنای معرفت‌شناسی است. مفاهیم جدیدی است که فیلسوفان دو، سه سده آن‌ها را استحکام بخشیده‌اند. با یک مدل از زندگی و زیست در جهان مدرن هم ارتباط داشته است. این تقسیم‌بندی مبتنی بر یک تعریفی از علم و یک تعریفی از دین است. دین بخشی از فرهنگ و بخشی از humanities است.





جمع‌بندی سخنان دکتر پارسانیا

پارسانیا، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در جمع‌بندی سخنانش گفت: عرض بنده این است که ما چه تعریفی از علم و چه نوع تقسیم‌بندی از علوم داریم؟ این‌ها با چه هستی‌شناسی و چه نوع فرهنگی سازگار است؟ باید اتخاذ موضع بکنیم. البته توقع بنده این نیست که کاری که می‌خواهد یک برنامه‌ریزی گسترده اجتماعی باشد با نظر یک نفر انجام بگیرد، بلکه می‌گویم برای این مسائل باید در نظام آموزشی سهمی از گفت‌وگو، تعامل و خردورزی بین اندیشمندان وجود داشته باشد و پرونده را نسبت به این مسائل بسته شده ندانیم و دائماً برای اصلاح این حوزه کار کنیم.

وی با تأکید بر این که ما نباید با مرجعیت مفاهیم مدرن به صورت چشم بسته و بدون گفت‌وگو و بدون تعاملات دقیق فلسفی برخورد کنیم، بیان کرد: احساسم این است که در برنامه‌های درسی ما خلأ شناسایی مفاهیم و اصول پایه وجود دارد. اگر برخی رشته‌ها و گرایش‌ها آگاهانه‌تر عمل می‌کنند این یک امر منسجم، سازمان‌یافته و فراگیر نیست و اساساً یک برنامه مشترک وجود ندارد. این یکی از آسیب‌های ما است و ما نیاز داریم که این کار انجام شود. بنده از حضور آقای دکتر ملکی در سمت رئیس سازمان پژوهش و توجهی که به این مسئله دارند بسیار خوشحال هستم و امیدوارم با همت ایشان و عزیزانی که در حوزه برنامه‌ریزی درسی فعالیت دارند، طرح کلان این مسئله با جدیت بیشتری ساماندهی پیدا کند و یک گفت‌وگوی مستمر در این حوزه شکل بگیرد. خود این نشست نشانه اهمیتی است که دوستان به مسئله می‌دهند.

رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه تربیت و یادگیری قرآن و معارف اسلامی در پایان نشست درباره سخنان دکتر پارسانیا گفت: شاید واژه کلیدی ایشان توجه نظام آموزشی به مفهوم علم باشد و اینکه نظام آموزشی از یک تلقی در ارتباط با مفهوم علم در حال تبعیت است، لکن وقتی قرار است برنامه‌ریزی کند و برای حوزه‌های مختلف تربیت و یادگیری، برنامه درسی بنویسد باید تلقی خودش را خیلی روشن و همراه با لوازم و پیامدهایش ارائه کند.

شایان ذکر است این برنامه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به منظور توسعه علم دینی، جذب توانمندی‌های داخلی و خارجی در زمینه علم دینی، ایجاد فرصت گفتگو و تعامل بین اندیشمندان مختلف در حوزه روابط علم و دین و اشاعه علم دینی در حوزه علوم انسانی و با همکاری نهادها و سازمان‌های مختلف اقدام به برگزاری این کنفرانس کرده است. نقش معرفت دینی در پارادایم‌های علوم انسانی (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، روش‌شناسی)، روش‌شناسی؛ معرفت دینی و رشته‌های مختلف علوم انسانی (علوم انسانی محض و علوم انسانی کاربردی)؛ وضعیت‌شناسی مطالعات دین و علوم انسانی، مطالعات دین و علوم انسانی در ایران، مطالعات دین و علوم انسانی در جهان؛ معنویت دینی و علوم انسانی؛ محورهای اساسی این کنفرانس هستند. شایان ذکر است حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی محمد حکیمیان رئیس پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به عنوان رئیس و دکتر ابوالفضل گایینی به عنوان دبیر کنفرانس مجازی بین‌المللی «نقش معرفت دینی در علوم انسانی»؛ از گفتگو تا تأسیس علم دینی، فعالیت خواهند داشت.

علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از طریق ایمیل rhc@rihu.ac.ir در ارتباط بوده و یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۵۳۲۱۱۱۲۰۴ تماس حاصل فرمایند.



علم نافع در گستره علم پژوهی

**"العلم" شیء لا يعطیک بعضه حتی تُعطیه کلک. فاذا أعظیته کلک
فانت من اعطائه لک البعض علی خطر**

علم آنچیزی است که بخشی از خودش را بتو نخواهد داد مگر آنکه همه چیزت را به او دهی. زمانی که همه چیز خودت را به او دهی آنگاه بخت آن را خواهی داشت که به تو بخشی از خودت را بدهد اما نمیتوانی مطمئن باشی
(تاریخ بغداد، خطیب بغدادی ج ۶ ص ۹۷)

"علم نافع" اصطلاحی دینی و برآمده از احادیثی است که لفظاً یا مفهوماً به آن اشاره نموده‌اند. ترکیب "علم نافع" در برابر "علم ضار" و "غیرنافع" قرار می‌گیرد و شعاعی از معارف دینی و قرآنی بر گرد آن شکل گرفته است که از روشنای آن می‌توان بسیاری از ساحات تعلیم و تربیت و برنامه ریزی آموزشی را با رویکرد کاربردگرایی و اسلامی سازی متحول ساخته و تعالی بخشید.
توجه به مفهوم و ابعاد علم مقدم بر بررسی علم نافع است از این رو شایسته است که با ذکر سلسله مقدماتی عرصه‌ی گفتگو از علم نافع را مهیا کرد.

پردازش به مفهوم علم، تاریخی به درازنای تاریخ اندیشه و خرد ورزی بشر و مفهومی انسانی آسمانی دارد زیرا به واسطه‌ی آن که علم نزد کتب مقدس و انبیای ابراهیمی خصوصاً قرآن کریم مذکور و دارای جایگاهی ستودنی است؛ لذا می‌توان آن را فراتر از قاموس بشر خاکی، به ساحت آسمانی و گستره افلاکی منتسب کرد. همچنین در فرهنگ و ادبیات آیین‌های زرتشتی، هندو و تائو نیز به فراوانی به مقوله‌ی علم اشاراتی شده است.

در اسلام ضریب بسامد و سطح پرداخت به "علم" در تفسیر حدیث و کلام بسیار گسترده است. در تمدن اسلامی جدای از آنکه در منطق و فلسفه و دانش اصول به مقوله ماهیت علم و



**حجت الاسلام و المسلمین
دکتر حمید محمدی**
مشاور عالی سازمان پژوهش
و برنامه‌ریزی آموزشی

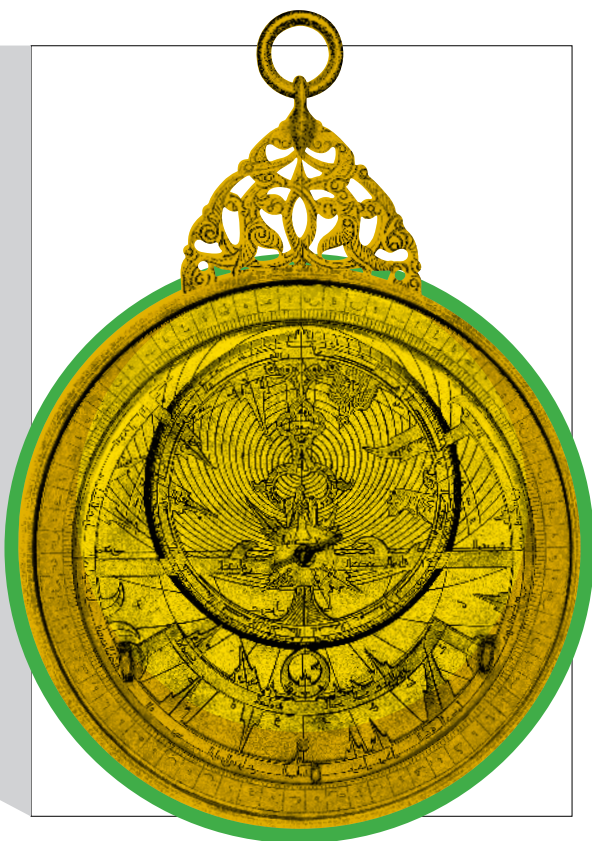




وجودشناسی آن و عوارض ذاتیه به تفصیل سخن رفته؛ از تقاسیم العلوم نیز به عنوان دانشی مستقل یاد شده است و آثار متعددی در این باره در دست داریم.

علم شناسی در قرون گذشته سنتاً با فلسفه عجین بوده است ولیکن امروزه دانش ها و قواعدهای متعددی، متکفل پژوهش و پردازش به مقوله‌ی علم شده اند. جامعه شناسی علم، علم سنجی و مدیریت و راهبری علم، فلسفه علم و معرفت شناسی، روش شناسی علم و تولید، اشتراک و آموزش علم از جمله حوزه های مرابطه و توجه علوم به مطلق موضوع علم است.

با این مقدمه می توان به وسعت جغرافیایی "علم بما هو علم" پی برد. تفکیک میان ساحات مختلف نگرش به علم در هندسه‌ی علوم بشری اولین گام در شناسایی، تحلیل و فهم ابعاد مختلف ماهیت علم و پژوهش در آن به شمار می رود و موجب عزیمت ما به میدان فراخ میان رشته ای علم می شود به عبارتی از این منظر، علم را در کانون توجه و منصف ظهور بر نشانده و با پرتو افکنی علوم مختلف تحلیل و فهم خود را از این مقوله سامان بخشیده و توسعه می دهیم.



ابعاد چنین نگرشی به علم که بسیار فراتر از معرفت شناسی و فلسفه علم مرسوم است را شاید بتوان عجاتاً در عنوان *علم پژوهی* گنجاند. بنابراین علم پژوهی از جمله موضوعات پیچیده و چند وجهی و چند بخشی است که در فضای میان رشته ای معنا می یابد. رویکرد این میان رشته‌گی علم پژوهی، وسیع و در گونه‌ی فرا رشته‌گی قرار می گیرد.

رویکرد میان رشته‌ای وسیع تلاشی در جهت بسط معرفت شناختی دانش و ایجاد ارتباط و تعامل و تلفیق میان معرفت های مختلف بشری برای شناخت و فهم موضوعات بنیادی و مشترکی است که جمع وسیعی مورد مخاطب آنها هستند و گونه‌ی فرا رشته‌گی نیز با هدف همگرایی چشم اندازها و نظرگاه های علمی فلسفی و

معرفتی است که بر رسیدن به حقیقت و ماهیت علم و ابعاد آن متمرکز است.

در مدخل این گفتار به همین قدر بسنده می کنیم و در آینده با تفصیل بیشتری به این مبحث می پردازیم.





تربیت ابزار رسیدن به توسعه در سند ۲۰۳۰

نشست "واکاوی سند ۲۰۳۰ از منظر حکمرانی، علم و نظم تمدنی" با حضور دکتر علی محبی معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری، دکتر مهدی معافی مؤسس و پژوهشگر اندیشکده روزگاران و حجت‌الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه، استاد حوزه و دانشگاه و با حضور جمعی از کارشناسان و دست‌اندرکاران حوزه تالیف به صورت مجازی برگزار شد. در ابتدای این نشست دکتر محبی به سابقه سند ۲۰۳۰ اشاره کرد و گفت: سند ۲۰۳۰ که در سال ۲۰۱۵ تصویب و ابلاغ شد. سندی ۱۵ ساله است که طبق آن اهدافی را تحت عنوان سند توسعه پایدار دیده‌اند و می‌خواهند دنیا در سال ۲۰۳۰ به آن اهداف برسد. این سند از همان ابتدای ابلاغش با مسائل و چالش‌های متعددی روبرو بود و برخوردهای مختلفی با آن شد. معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری تأکید کرد: بر اساس نگاه برخورداردی که در وزارت آموزش و پرورش و در سازمان پژوهش حاکم است هیچ جایی برای مسائل مربوط به ۲۰۳۰ در برنامه‌ها و اهداف سازمان و وزارتخانه وجود ندارد. وزارت آموزش و پرورش سند تحول بنیادین خود و برنامه درسی ملی را دارد که برای آن زحمات خیلی زیادی کشیده شده است.

سجاد مالیر

اشکالات شکلی و محتوایی سند ۲۰۳۰

علی محبی اشکالات وارده به سند ۲۰۳۰ را تحت عنوان دو نوع اشکالات شکلی و محتوایی مطرح کرد و گفت: اشکالات جدی که می‌توان به سند ۲۰۳۰ وارد کرد یک سری اشکالات شکلی است و یک سری اشکالات محتوایی. از نظر شکلی یک اشکال اساسی این است که هیچ عقل سلیم و هیچ منطقی نمی‌پذیرد که نقشه راه، سند پیشرفت و الگوی خودش بدون آن که در آن دخالتی داشته باشد و مبانی ملی، مذهبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور در آن دخیل شده باشد را از جای دیگری بپذیرد و اجازه بدهد آن‌ها برایش آماده کنند و بیاورند و عملیاتی و اجرایی کنند. ما در همه مسائل و موارد علمی، بررسی تطبیقی و بین‌المللی را انجام می‌دهیم، اما آن بررسی‌های تطبیقی فقط به‌عنوان یک سری داده‌ها است که ما آن‌ها را می‌آوریم و بعد بر اساس مبانی خودمان برای خودمان الگوی بومی تهیه می‌کنیم. هیچ‌گاه پذیرفته نیست که ما الگو و نقشه راهمان را بدون این که با مبانی خودمان تطبیق بدهیم از جای دیگری بپذیریم. این یک اشکال اساسی است.





محبی ادامه داد: جدای از این که طراحان سند ۲۰۳۰ دنبال چه اهدافی هستند و می‌خواهند دنیا را به کجا برسانند، خیلی وقته که ما قرار است برای خودمان نقشه راه و الگو ترسیم کنیم طبیعتاً الگو را خودمان باید تهیه کنیم و این کار را انجام داده‌ایم. در زمینه آموزش و پرورش سند تحول بنیادین را داریم و در زمینه توسعه پایدار هم همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت را باید به سرانجام برسانیم و کارمان را بر مبنای آن دنبال کنیم.

معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های یادگیری گفت: اشکال دیگری که به سند ۲۰۳۰ وارد است، بحث‌های علمی و از حیث محتوایی است. ما وقتی از حیث محتوایی به این سند نگاه می‌کنیم اشکالات متعددی در آن وجود دارد، از جمله این‌که، ما در سند تحول بنیادین مان تربیت را ۶ ساحتی دیده‌ایم، در حالی که در سند ۲۰۳۰ اصل و بنا را در یکی دو بعد از ابعاد تربیت می‌بینند و آن هم ابعاد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی است. در واقع ما می‌بینیم در سند ۲۰۳۰ برای بعد تربیتی و اخلاقی جای چندان اساسی وجود ندارد. این در حالی است که اگر آن ۶ بعد به صورت متوازن و به صورت متعادل پیش نرود طبیعتاً تربیت ناقص خواهد بود و سند ۲۰۳۰ این نقش اساسی را دارد.

سند ۲۰۳۰ یک جفای بزرگ را به تربیت روا داشته است

محبی با بیان این که سند ۲۰۳۰ یک جفای بزرگ را از نظر مبانی ما به تربیت روا داشته است، اظهار داشت: آن جفا این است که تربیت بر اساس مبانی دینی و مکتب اسلام اصلاً هدف است، در حالی که این سند تربیت را وسیله می‌داند برای رسیدن به توسعه، آن هم توسعه بیشتر اقتصادی. در حالی که در قرآن و روایات آمده که از مهمترین و مقدس‌ترین اهداف حکومت، تربیت و رساندن انسان به کمال است. اما سند ۲۰۳۰ تربیت را از هدف بودن به وسیله و ابزار بودن تنزل داده است.

وی افزود: اشکال اساسی دیگری که وجود دارد مفاهیمی است که در این سند به کار رفته است. مفاهیمی که به ظاهر خیلی زیبا، عامه‌پسند و بین‌المللی است. مفاهیمی مثل صلح، آزادی، خانواده، جمعیت و مشارکت، اما تعریفی که از این مفاهیم مد نظر است کاملاً با دیدگاه، برداشت و تعریفی که ما در مکتب اسلام داریم متفاوت است. خانواده در اسلام تعریفش با خانواده در غرب کاملاً متفاوت است. بنابراین وقتی ما به مبانی سند ۲۰۳۰ نگاه می‌کنیم دیدگاه‌های مکتب اسلام در هیچ‌کدام از مفاهیمی که اشاره کردم وجود ندارد.

دکتر علی محبی ادامه داد: نکته دیگر این است که طراحان و نویسندگان این سند چه کسانی هستند؟ دیدگاه و مکتب آن‌ها چیست؟ آیا کسانی که مدعی دیدگاه و مکتب اسلام هستند و یا از جمهوری اسلامی کسانی در تدوین این سند نقش داشته‌اند؟ بله، ممکن است در یک جلسه‌ای دعوت کرده باشند و آنجا مشارکت داشته باشند ولی وقتی ما حرف از نقش می‌زنیم نقش در طراحی و تدوین سند است. وقتی به مبانی سند ۲۰۳۰ نگاه می‌کنیم مفاهیم آن کاملاً با مکتب اسلام متفاوت است و این یک نگرانی جدی را برای همه ما ایجاد می‌کند.



ساختار مفهومی و محتوای سند ۲۰۳۰

در ادامه این نشست دکتر مهدی معافی موسس و پژوهشگر اندیشکده روزگارانو به بررسی ساختار مفهومی و محتوایی سند ۲۰۳۰ پرداخت و گفت: دستور کار ۲۰۳۰ با شناسایی سه چالش عمده جهانی شروع می‌شود. بخش اول مجموعه‌ای از چالش‌ها است که به عدم بهره‌مندی بخشی از جمعیت از مواهب شکوفایی و پیشرفت تکنولوژی مربوط می‌شود. بخش زیادی از دنیا با فقر، گرسنگی و مشکلات بهداشتی دست و پنجه نرم می‌کند. دسته دوم چالش‌هایی که وجود دارد چالش‌های مربوط به نابرابری‌های اجتماعی هستند. با وجود این‌که بهره‌مندی حاصل از پیشرفت تکنولوژی در سطح جهان گسترش پیدا کرده است ولی در درون و بین خود کشورها اختلاف خیلی زیادی وجود دارد. دسته سوم چالش‌ها هم چالش‌های زیست محیطی مثل تغییرات آب و هوایی، جنگل‌زدایی‌ها، بیابان‌زدایی‌ها و از بین رفتن اکوسیستم است. پس سند ۲۰۳۰ با شناسایی سه دسته چالش اصلی شامل زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی شروع می‌شود. دکتر معافی افزود: تمرکز سند ۲۰۳۰ روی ۵ گلوگاه است که به زعم این سند اگر روی این ۵ گلوگاه دست گذاشته شود امکان غلبه بر آن چالش‌ها وجود دارد. از این ۵ گلوگاه تحت عنوان SDGs یاد می‌کنند و این ۵ گلوگاه شامل Partnerships, Planet, Peace, Prosperity, People است. این ۵ گلوگاه که ذکر می‌کنم به طور تلویحی نقدی هم هست بر نظریات که پیش از این وجود داشته و عملی که در جریان توسعه در قرن بیستم حاکم بوده است. وی در ادامه درباره ۵ گلوگاه یاد شده توضیحاتی را ارائه کرد:

Prosperity (رونق شکوفایی): به این می‌پردازد که رونق و شکوفایی باید به نحوی اتفاق بیفتد که حاصلش بهره‌مندی باشد. یعنی ما می‌توانیم پیشرفت تکنولوژیک داشته باشیم ولی این منجر به این نشود که عده زیادی صاحب شغل و زندگی شرافتمندانه شوند.

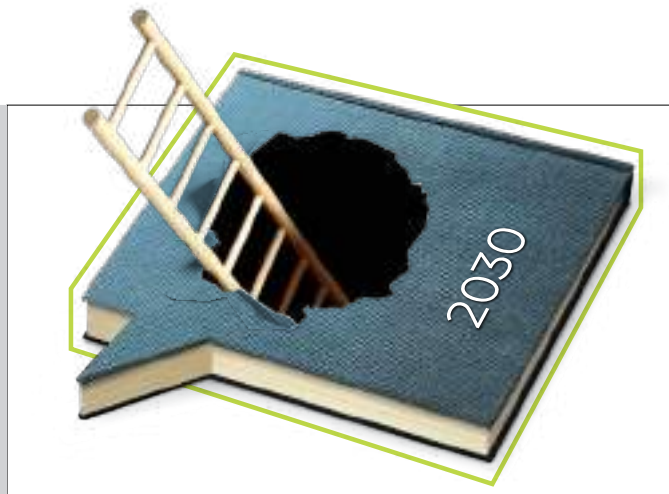
People (مردم): به این تأکید می‌کند که توسعه باید توسعه فراگیر باشد. یعنی اقلیت‌های مختلف و ملیت‌ها و قومیت‌های سراسر نقاط جهان باید از آن بهره‌مند شوند.

Planet (سیاره زمین): به این می‌پردازد که توسعه باید به نحوی اتفاق بیفتد که محدودیت‌های زیستی و ظرفیت‌های کره زمین را لحاظ کند و توسعه‌ای می‌تواند بر آن چالش‌ها غلبه کند که این مرزها و این حدود را رعایت کند.

Peace (صلح): به این می‌پردازد که توسعه پایدار زمانی ممکن است که صلح در جهان حاکم باشد و از طرف دیگر صلح زمانی پایدار و ماندگار می‌ماند که توسعه پایدار محقق شده باشد. بنابراین صلح و توسعه پایدار رابطه متقابلی با همدیگر دارد و برقراری هر کدام زمینه تحقق آن یکی است.

Partnerships (مشارکت‌ها): به این می‌پردازد که اهداف گسترده هستند و تعداد زیادی را در بر می‌گیرند و تا حدودی بلندپروازانه هم محسوب می‌شود و اگر بخواهد تحقق اهداف اتفاق بیفتد نمی‌شود مانند روال قرن بیستم که صرفاً بخش دولتی بار توسعه را به دوش می‌کشید عمل کرد، بلکه باید بازیگران جهانی، نهادهای جهانی، دولت‌های محلی، بخش غیر انتفاعی جامعه مدنی و بخش خصوصی و بیزینس نیز در این کار مشارکت داشته باشند. بنابراین توسعه نیاز به پارتنرشپ بین بازیگران مختلفی دارد که در این دستور کار می‌خواهند نقش ایفا کنند.





۱۷ هدف اصلی در سند ۲۰۳۰

موسس و پژوهشگر اندیشکده روزگاران در ادامه بیان کرد: اما با توجه به سه دسته چالش شناسایی شده توسط ۲۰۳۰ و با تأکید بر ۵ گلوگاهی که ذکر شد، دستور کار به ۱۷ هدف می‌رسد که عبارتند از: به صفر رساندن فقر و گرسنگی، سلامت، آموزش با کیفیت،

برابری جنسیتی، آب و فاضلاب بهداشتی، مصرف مسئولانه و شهرها و جوامع پایدار تا مبارزه با تغییرات آب و هوایی، حفظ اکوسیستم زمین و اقیانوس‌ها، برقراری صلح و هدف هفدهم که همان اجرای هدف‌ها است. بنابراین ما با گستره‌ای از اهداف مواجه هستیم که اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را همزمان دارند بر می‌گیرند و هدف هفدهم خودش هدفی است که اجرای بقیه اهداف را در بر می‌گیرد.

معافی افزود: اهداف سند ۲۰۳۰ در سطح جهان به شکل‌های مختلفی دسته‌بندی شده‌اند و طبق یکی از این دسته‌بندی‌ها، اهداف به سه دسته اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم شده‌اند. آنچه که مشخص است این است که این اهداف صرفاً به یک حوزه محدود نیستند و هر هدف بخشی از این اهداف سه‌گانه را در بر می‌گیرد. مثلاً هدف به صفر رساندن فقر و گرسنگی هم هدف اجتماعی است و هم هدف اقتصادی. یا خود کیفیت آموزشی یک نوع هدف اجتماعی است ولی همزمان چون با بحث اشتغال و مهارت در ارتباط است آن را یک هدف اقتصادی هم می‌شود لحاظ کرد.

۱۶۹ هدف فرعی در سند ۲۰۳۰

مهدی معافی بیان کرد: گفته شد که سند ۲۰۳۰ دارای ۱۷ هدف اصلی است، اما ۱۶۹ هدف فرعی هم وجود دارد که این‌ها تارگت‌هایی است که اهداف اصلی را به زیر هدف‌های تقسیم کرده است. برای خود اهداف فرعی هم ۲۶۲ شاخص اندازه‌گیری تعریف شده است که در گزارش‌های سالانه‌ای که سازمان ملل و نهادهای دیگر مثل SDG Tracker ارائه می‌کنند میزان پیشرفت این اهداف پیمایش و رصد می‌شود.

این کارشناس افزود: آنچه که اهمیت دارد این است که این اهداف بتوانند رشد اقتصادی را در کنار فراگیری عدالت اجتماعی و پایداری زیست محیطی محقق کنند. در دستور کار ۲۰۳۰ این توجه وجود دارد که ما اگر رشد اقتصادی پیدا کنیم ولی این رشد اقتصادی منجر به برابری اجتماعی نشود و یا همزمان به پایداری زیست محیطی نرسد، توسعه حاصل نمی‌شود.



اجرای سند ۲۰۳۰

دکتر معافی در ادامه بیان کرد: در اجرای سند ۲۰۳۰ چیزی که جالب است و ما باید به آن توجه کنیم این است که این طور نیست یک سندی نوشته شده و رها شده باشد. در ذیل هدف هفدهم این سند ۹ ساز و کار اصلی اجرا در نظر گرفته شده است که اینها اعماند از: ائتلاف سازی و همکاری هم افزایانه، انسجام نهادی و خط مشی، توسعه تجارت، انتقال فناوری، تأمین مالی، ظرفیت سازی و قابلیت سازی. چیزی که خیلی اهمیت دارد و ما می توانیم از آن تجربه برای سندهای خودمان استفاده کنیم این است که سند یا دستور کار چیزی نیست که ما بنویسیم و تمام شود، بلکه باید به ساز و کارهای اصل اجرای آن از جمله تأمین مالی، ظرفیت سازی و قابلیت سازی توجه شده باشد.

نظریه توسعه پایدار به مثابه بنیاد اندیشگانی دستور کار ۲۰۳۰

در ادامه نشست دکتر معافی اشاره کرد: نظریه توسعه پایدار که در دستور کار سند ۲۰۳۰ حاکم است بر اساس تعادل بین حوزه پایداری اجتماعی، پایداری اقتصادی و پایداری محیط زیستی بنا شده است.

این کارشناس تاریخ ۷۰ ساله توسعه پایدار را مرور کرد و سپس گفت: توسعه پایدار حاصل تجربه تاریخی بحران هایی است که در قرن بیستم به وجود آمده است. در واقع بازخوانی تجربه ای است که در عمل و نظر توسعه اتفاق افتاده است و می شود گفت توسعه پایدار پاسخی است به منازعات تاریخی. سند ۲۰۳۰ هم با شناسایی این بحران ها و با بازخوانی این تجربه سعی می کند ببیند که ما در لایه های حکمرانی و دانش باید چگونه باشیم و چه اتفاقی باید برای ما اتفاق بیفتد. موسس و پژوهشگر اندیشکده روزگارانو اظهار داشت: از تز محوری که در حکمرانی توسعه پایدار با آن مواجه می شویم تحت عنوان Policy Coordination یا Policy coherence یاد می شود که می گوید مسئله اصلی سیاست گذاری امروز ایجاد هماهنگی و همسازي بین حوزه های سیاستی است. چرا؟ چون ما با تعارض در حوزه های خط مشی مواجه هستیم. برای مثال، وقتی دولت ها در حوزه آموزش یا حوزه سلامت هزینه می کردند دچار مشکل اقتصادی می شدند. یعنی وقتی ما خط مشی رشد اقتصادی و اقتصاد را محور قرار می دهیم بخش هایی مثل آموزش، سلامت و رفاه اجتماعی دچار بحران می شوند و وقتی رفاه را محور قرار می دهیم حوزه زیست محیطی و حوزه اقتصادی دچار مشکل می شوند. بنابراین مسئله اصلی این است که چگونه بین حوزه های متعارض همسازي و هم گرایی ایجاد کنیم.

دکتر معافی ادامه داد: مسئله دیگری که وجود دارد این است که چون این موضوع مسئله جهانی شده است و غیر از دولت ها، بازیگران جهانی و بازیگران مدنی و خصوصی هم وارد شده اند، ما الان انواع و اقسام بازیگران را داریم که دیگر مثل دهه ۴۰ تا ۷۰ نیست که فقط دولت سیاست گذاری کند، بلکه با یک دولت با چندین زیر دولت های فر، ملی و فرا ملی و چندین بازیگر غیر دولتی محلی، منطقه ای و جهانی مواجه هستیم که باید اینها را هم لحاظ کنیم. بنابراین ما علاوه بر حوزه های متعارض خط مشی، با انبوهی از بازیگران هم مواجه هستیم. ضمناً، در ۷۰ سال تاریخ توسعه، انواع طرح های سیاسی را هم داشته ایم.





وی افزود: ما با نیروهای بسیار متفاوت و متعارضی مواجه هستیم و به خاطر این است که Policy Coordination می‌شود تز توسعه پایدار در سطح حکمرانی. چیزی که ما باید خیلی به آن توجه کنیم این است که دستور کار ۲۰۳۰ غیر از این که سند می‌دهد و غیر از این که پشتوانه دانشی دارد، در شیوه حکمرانی هم می‌آید یک شیوه خاصی را مطرح می‌کند که این شیوه خاص هم سوار تجربه تاریخی توسعه پایدار است.

دکتر معافی تأکید کرد: چون بحران‌ها و مسائل، جهانی و چند بخشی دیده می‌شوند، تزی که دنبال می‌شود این است که ما باید به یک نوع حکمرانی چند سطحی جهانی برسیم. یعنی دستور کار ۲۰۳۰ دستور کاری نیست که درباره یک حوزه خاص یا یک مسئله سیاستی نظر بدهد، بلکه دستور کار ۲۰۳۰ درباره دگرگونی کل دانش حاکم بر جهان، نظام حکمرانی و نظم سیاسی دارد نظر می‌دهد و دارد پیش می‌برد و یک آپاراتوس گسترده‌ای را شکل داده است. این آپاراتوس، هیولا یا سیستم عظیم الجثه جهانی که یک نظام دانشی و یک نظام حکمرانی را در کنار هم قرار داده، حاصل یک شکل خاص تدوین دستور کار است که توانسته بازیگران مختلف را بیاورد در تدوین سند مشارکت بدهد.

استراتژی‌های مقابله با سند ۲۰۳۰

دکتر معافی به استراتژی‌های مقابله با سند ۲۰۳۰ اشاره کرد و گفت: ما اگر بخواهیم خودمان را مقابل ۲۰۳۰ هم قرار بدهیم با رقیب قدرتمندی طرف هستیم. رقیبی که از مسائل مشترک دنیا شروع کرده است. یعنی ما نه می‌توانیم بحران‌های زیست محیطی را انکار کنیم و نه بحران‌های اجتماعی و اقتصادی را. یک زمانی استعمار کهنه وجود داشت و بعد استعمار نو تبدیل به برنامه توسعه شد و حالا اگر ما با یک امپراتوری جهانی مواجه هستیم شکل پیچیده‌ای از مقابله با آن لازم است و بخش مهمی از مقابله این است که شما شناخت خوبی از آن داشته باشید.

این کارشناس افزود: استراتژی‌های مقابله می‌تواند متفاوت باشد. یک موقع می‌تواند استراتژی اسب تروایی باشد یا می‌تواند مشارکت فعالانه یا مشارکت نقادانه باشد. اما مسئله این است که ما بدانیم با چه آپاراتوسی مواجه هستیم و گستره حکمرانی آن و مسائلی که دارد مورد توجه قرار می‌دهد چیست تا انتخاب درستی داشته باشیم. مقابله با سند ۲۰۳۰ ممکن است راه پیچیده‌تری را نسبت به راه مقابله با استعمار کهنه طلب کند و ما به یک کار و پژوهش زیاد احتیاج داریم. من فکر می‌کنم که ما پیش از موضع‌گیری، نیاز به شناخت این سند داریم.

دکتر محبی: سند ۲۰۳۰ مباحث اعتقادی و اخلاقی را نادیده می‌گیرد

سپس دکتر محبی صحبت‌های دکتر معافی را این چنین جمع‌بندی کرد: آقای معافی سند ۲۰۳۰ را تشریح کردند و اهداف اصلی و فرعی و فرآیند تدوین، اجرا و پایش آن را توضیح دادند و به بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی که مبنای اصلی سند ۲۰۳۰ است پرداختند و در نهایت جمع‌بندی ایشان این بود که سند ۲۰۳۰ دنبال دانشی است که بتواند بین بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تعادل ایجاد کند و برای حل این‌ها راهکار داشته باشد.





به نظر می‌رسد که در همین جاست که معمولاً از بحث تربیت شهروند جهانی اسم می‌برند. البته متأسفانه فرصت نشد که آقای دکتر معافی به نقد و بررسی سند ۲۰۳۰ بپردازند.

معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری افزود: وقتی ما از بحران‌های سه‌گانه حرف می‌زنیم تکلیف ابعاد دیگرش چه می‌شود؟ تربیت

شهروند جهانی به این معناست که شما مشترکات را بگیرید و مفترقات را نادیده بگیرید. از قضا آن جایی که باید نادیده گرفته شود بحث بعد اعتقادی و اخلاقی است که در خیلی جاها قابل نادیده گرفتن نیست.

خسروپناه: سند ۲۰۳۰ یک معاهده سیاسی الزام‌آور است

سپس حجت‌الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه، استاد حوزه و دانشگاه و معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی ضمن تشکر از مسئولان سازمان پژوهش به دلیل ایجاد فضایی برای نقد و بررسی سند ۲۰۳۰ گفت: آنچه به عنوان اهداف این سند توسعه پایدار مانند مبارزه با فقر، مبارزه با فساد، صلح، تضمین دارا بودن زندگی بهتر، مسائل زیست محیطی، مسائل بهداشتی و غیره وجود دارد تعابیر بسیار خوبی است که در اسلام هم مورد تأکید می‌باشد اما نکته بسیار مهمی که در این سند شاید مغفول مانده بحث بحران هویت به عنوان یکی از بحران‌های اساسی جهان امروز است که اتفاقاً اسلام بر آن تأکید دارد.

دکتر خسروپناه سند ۲۰۳۰ را یک معاهده سیاسی الزام‌آور دانست و گفت: وقتی آدم اهداف اصلی توسعه پایدار را مطالعه می‌کند به نظر می‌آید تعابیر ظاهراً انسانی و بلکه اسلامی هستند. مثلاً گفته می‌شود پایان دادن به فقر در همه اشکال آن و در همه جا. مگر اسلام با این مخالف است؟ یا یک هدف دیگر پایان دادن به گرسنگی و تحقق امنیت غذایی و تهیه بهتر و توسعه کشاورزی پایدار است، که این دقیقاً توصیه‌های اسلام است. بقیه هدف‌های دیگری هم که مطرح شده نکات درست و دقیقی است و ما به همه آنها ایمان داریم.

عبدالحسین خسروپناه تأکید کرد: در نگاه اولیه اهداف سند ۲۰۳۰ انصافاً اهداف ارزشی و مقدسی است، اما بنده ۱۰ نقد نسبت به سند ۲۰۳۰ دارم که خدمت‌تان عرض می‌کنم. نقد من درباره این نیست که الآن جهان گرفتار بحران‌های جهانی نیست، چرا که وجود این بحران‌ها بدیهی است. تازه به نظر بنده بحران هویت که بدترین نوع بحران است خیلی کمرنگ در این سند آمده است. خیلی خطرناک‌تر از بحران فقر، تبعیض و خشونت، بحران هویت است که باید به آن پرداخته می‌شد. در این هم بحثی نیست که درمان این بحران‌ها یک فکر جهانی می‌طلبد. به هر حال یک مسئله‌ای مثل همین کرونا فقط یک معضل برای مردم تهران و ایران یا فقط مسلمان‌ها نیست بلکه کل جهان درگیر هستند.



وی افزود: نقدی که بنده به سند ۲۰۳۰ دارم هم به نحوه اجرایش در کشور خودمان است و هم به این است که این سند یک عقبه فلسفی و علوم انسانی دارد که خیلی از افراد دارند به قول فروید آن یک سومی که روی آب است را توصیف می‌کنند و آن مابقی که زیر آب است را نمی‌بینند.

دکتر خسروپناه در ادامه ۱۰ نقد خود به سند ۲۰۳۰ را تشریح کرد: نقد اول این است که این سند یک حکمرانی جهانی است، اما چطور نه در مجلس شورای اسلامی، نه در شورای نگهبان و نه در مجلس تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار نمی‌گیرد؟ تا جایی که من شنیده‌ام وزیر آموزش و پرورش وقت سند را امضاء و معاون اول رئیس‌جمهور هم آن را ابلاغ می‌کند و بعد وارد فاز اجرایی می‌شود. سوال من این است که چرا مراحل قانونی اجرا نشده است؟ این یک رویکرد استبدادی و دیکتاتوری است که بگوییم ما کاری به فرآیند قانونی نداریم و من معاون یا وزیر می‌خواهم آن را ابلاغ کنم. سند ۲۰۳۰ یک معاهده سیاسی الزام‌آور است و باید برای آن فرآیند تضمین طی شود. تازه مگر سند ۲۰۳۰ فقط جنبه آموزشی دارد که وزیر آموزش و پرورش آن را امضاء کند؟ این سند باید تصویب شود و اگر واقعاً پذیرفته شده است باید در همه وزارتخانه‌ها ابلاغ شود.

نقد دومی که نسبت به این سند دارم این است که این سند یک آسیب جدی به استقلال مدیریتی، اقتصادی و سیاسی کشور وارد می‌کند که با نص قانون اساسی در تعارض است، چون سند حکمرانی جهانی است و زیر نظر سازمان ملل هم هست و یک سری ساختارها و قوانین دارد که اگر بخواهیم آن را ابلاغ کنیم کشور کاملاً تابع آن شود. اگر این سند هیچ اشکالی هم نداشته باشد باز هم جلوی استقلال کشور را می‌گیرد چون کشور خودش باید در برابر مسائل و مشکلاتی که وجود دارد قرار بگیرد. البته چون این بحران‌ها جهانی هستند باید همه کشورها بنشینیم و نسبت به مشترکات تصمیم بگیریم، اما نباید مسائل فرهنگی که خاص ما مسلمان‌ها یا خاص مسیحی‌ها، یهودی‌ها و هندوها است منتفی شود. سند ۲۰۳۰ این مسائل را قطعاً منتفی می‌کند و استقلال مدیریتی و اقتصادی کشور را تهدید می‌کند.

نقد سوم بنده، تنافی‌هایی است که این سند با مسائل انقلاب اسلامی دارد. گفتمان‌های ما مانند: الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت یا گفتمان تمدن نوین اسلامی و یا سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را داریم که این مفاهیم با گفتمان توسعه پایدار تعارض دارند. مفهوم الگوی اسلامی پیشرفت، الگوی پیشرفت را بر اساس ارزش‌های اسلامی و نیازهای بومی مطرح می‌کند ولی توسعه پایدار سند ۲۰۳۰ حکمرانی جهانی است. نقد من فقط به ایران نیست. کل کشورهای که زیست‌بوم بومی دارند با این مسئله درگیر خواهند بود.

نقد چهارم، ناسازگاری است که سند ۲۰۳۰ با قوانین موضوعه کشور، اسناد بالادستی و آیین‌نامه‌های اجرایی دولت دارد. اشکال سوم، ناسازگاری با مفاهیمی است که در انقلاب اسلامی وجود دارد. نقد چهارم ناسازگاری با قوانین موضوعه کشور و اسناد بالادستی است. جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های علم و صنایع دارد و سیاست‌هایی هم در حوزه سلامت، جمعیت و آموزش و پرورش دارد، اما با اجرایی کردن سند ۲۰۳۰ باید تمام این سیاست‌ها را کنار گذاشت. وقتی آموزش و پرورش سند ۲۰۳۰ را امضاء می‌کند یعنی سند تحول بنیادین را باید کنار بگذارد.



پنجمین نقد بنده به سند ۲۰۳۰، مطابقت نداشتن اهداف و آرمان‌های این سند با واقعیت‌های جهانی است. یک نظام لیبرالیستی جهانی شکل گرفته که هر جا رفته منشأ نابرابری، ناعدالتی، ظلم، استعمار، ایجاد مشکلات برای اقوام و ملل و تجاوز بوده است. آمریکا و اتحادیه اروپا ظاهراً با بعضی از این ظلم‌ها مخالفت می‌کنند ولی باطناً بلکه ظاهراً از آن‌ها حمایت می‌کنند. از تروریست‌ها حمایت می‌کنند. بعد هم می‌آیند سند ۲۰۳۰ تحویل ما می‌دهند. بروید بررسی کنید و ببینید که جنایت‌ها بعد از تشکیل سازمان ملل کم شده یا زیاد شده است؟ آمارها می‌گوید سازمان ملل هر جا سند یا کنوانسیون را تصویب کرده و یا صندوقی را راه انداخته است، ظلم بیشتری تحقق پیدا کرده است. شاهدش هم گزارشی است که خود این سند دارد از بحران‌های جهان امروز ما می‌دهد.

ششمین نقد این است که برخی از مفاهیم سند اشکال منطقی دارد و عمدتاً هم تفسیربردار هستند. تفسیرش هم به‌عده کسی است که حاکم می‌شود. اگر حاکمیت ۲۰۳۰ را به ما بدهند ما تفسیرش می‌کنیم و اگر به هر جای دیگری بدهند آنها تفسیرش می‌کنند. در اصل آن‌هایی که بودجه سازمان ملل را تأمین می‌کنند این مفاهیم را تفسیر می‌کنند. در سند ۲۰۳۰ چند جا از مفهوم تساوی جنسیتی استفاده شده است. ما منطقاً با این مفهوم اشکال داریم. تساوی جنسیتی یعنی چه؟ عدالت جنسیتی درست است. عدالت غیر از تساوی است. یا عدالت آموزشی درست است نه تساوی آموزشی. یا در یکی از اهداف خود آورده‌اند ترویج جوامع صلح‌خو، اما با کدام معیار؟ از نظر جهانی سازمان منافقین که این همه جنایت انجام داد و پوست از بدن مردم عادی ما کردند را سازمان صلح‌خو می‌داند و سپاه پاسداران می‌شود جنگ‌طلب! مردم‌سالاری در ایران می‌شود دیکتاتوری، و دیکتاتوری در عربستان می‌شود حقوق بشر! متولی حقوق بشر سازمان ملل را هم عربستان می‌کنند.

نقد هفتم این است که سند ۲۰۳۰ اصولاً مبتنی بر مبانی لیبرالیستی است. واژه‌ها قشنگ‌اند ولی مبانی آن با آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی تنافی دارد. مفاهیم عدالت، زن و خانواده در مبانی لیبرالیستی متفاوت از مبانی اسلامی هستند. خانواده در نظام لیبرالیستی و نظام سوسیالیستی دو تعریف از خانواده است و قطعاً در نظام اسلامی تعریف دیگری دارد. مبانی در مفاهیم علوم انسانی معناساز هستند. مثلاً واژه جامعه مدنی با مبانی جان‌لاک یک تعریف دارد و با مبانی هگل یک تعریف دیگر دارد. واژه یکی است، اما معانی متفاوت است چون مبانی متفاوت است.

هشتمین نقد بر سند ۲۰۳۰ این است که تحقق این سند در جهان محال است. محال فلسفی است. یک وقت می‌گوییم محال وقوعی است که اشکال قبلین دارد. یعنی نظم جهانی دست یک عده قلدر و قدرتمند است. پول دست آنهاست. آنها پول، ثروت و سرمایه سازمان ملل را می‌دهند تا سازمان ملل بر اساس اهداف آنها کار کند. یک خون از دماغ یک صهیونیست در بیاید دادشان بلند می‌شود ولی این همه بچه در فلسطین کشته شود عین خیال‌شان نیست. این نقد محال وقوعی است. اما من می‌گویم تحقق سند ۲۰۳۰ محال فلسفی است. امروزه عقلانیتی که پیشتر وجود داشت تبدیل به عقلانیت نسبی‌گرایانه شده است. چه در حوزه معرفت و چه در حوزه ارزش این طور است. یعنی ارزش‌هایی مثل عدالت، صلح، تساوی، مبارزه با فساد و فقر نسبی‌گرایانه است. یعنی معیاری برای سنجش نداریم و هر کس ارزش را بر اساس تلقی خودش



تعریف می‌کند. نسبی‌گری ارزشی یعنی ارزش‌ها نسبی است. شما نمی‌توانید بگویید تعریف این خانواده این است. بنابراین با وجود عقلانیت نسبی‌گرایانه تحقق سند ۲۰۳۰ محال است. سند ۲۰۳۰ زمانی می‌تواند اجرایی شود که اولاً نظام حاکم لیبرالیستی را کنار بگذارد و ثانیاً مبانی فلسفی غرب را کنار بگذارد.

نهمین نقد این است که توسعه پایدار بدون علم پایدار ممکن نیست. علوم انسانی پایدار در این پارادایم‌های علوم انسانی ممکن نیست. هر کس می‌گوید علم پایدار وجود دارد و امکان‌پذیر است فلسفه علوم انسانی را نمی‌داند. علم را در رو می‌بیند. زیر بنا نمی‌بیند. حداقل ۳ دسته پارادایم حاکم بر علوم انسانی است. پارادایم‌های تبیینی، تفهیمی انتقادی که هر کدام از آنها متعدد هستند. تازه بعدش پارادایم‌های نسبی‌گرایانه هم هست. مگر علوم انسانی یک پارادایم دارد که می‌خواهید با آن یک پارادایم علم پایدار درست کنید؟ بحران‌ها جلوی همه ما است. قبول هم داریم. مثل این است که بگوییم این که جلوی مان است آب است، اما وقتی می‌خواهیم این آب را توصیف کنیم توصیف‌های مختلفی بیرون می‌آید. من نمی‌گویم پارادایم‌های مختلف خوب است یا بد، بلکه می‌گویم این‌ها هست. اگر یک پارادایم پذیرفته شده در نزد کل دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی شکل بگیرد بعد می‌شود از علم پایدار سخن گفت.



دهمین و آخرین نقد بنده این است که ما هر موقع روحیه انقلابی‌مان را از دست بدهیم منفعل می‌شویم. امام خمینی (ره) آمد به ما مسلمانان جهان گفت روحیه انقلابی داشته باشید. روحیه انقلابی یعنی پذیرش عقلانیت، بصیرت، حکمت و مشارکت مردمی. این‌ها

تعابیری است که مقام معظم رهبری از انقلابی‌گری دارد. یعنی با استدلال و منطق بیابید نقد استعمار نو کنید. همان‌طور که فرمودند باید سند ۲۰۳۰ را خوب بخوانید و خوب بدانید ولی خوب یعنی خوب، نه این که فقط عبارت مردم یا صلحش را ببینیم و از خوشحالی لذت ببریم. خوب یعنی عمقش را ببین. خوب یعنی واقعیت امروز را ببین. خوب یعنی عملکرد ۲۰۰ سال اخیر استعمار نو را ببین. خلاصه آنکه سند ۲۰۳۰ تغییر واژگانی در راستای منافع نظام سلطه است. این یک حقیقت به دست آمده از واقعیت تاریخی تمدن غرب است. هر کس این تفسیر بنده را انکار کند، تاریخ را انکار کرده است. باید واقعیت را دید. سند ۲۰۳۰ سند پایدار نیست بلکه سند پای دار است! یعنی کاری می‌کند که شما کاملاً تسلیم شوید و اصلاً بشوید ربات یک سند. اصلاً اجازه نمی‌دهند شما مشارکت داشته باشید. حالا چطور می‌خواهد نظم جهانی پدید بیاید؟ این نظم جهانی نیست بلکه یک اقتدار نوینی از استعمار نو است. این سوء ظن یا تئوری توطئه نیست بلکه تئوری واقعیت است.



دکتر خسروپناه در پایان نشست راهکارهای پیشنهادی خود برای مواجهه با سند ۲۰۳۰ را مطرح کرد. وی گفت: ما باید با دنیا گفت‌وگو کنیم. این که در خیابان‌ها علیه ۲۰۳۰ راهپیمایی تشکیل بدهیم راهش نیست. بعضی از دوستان حزب‌اللهی ما از آن طرف می‌افتند و می‌خواهند با یک پدیده با شعار مقابله کنند. یک عده هم که خودشان را اصلاح‌طلب می‌دانند این سند را منفعلانه می‌پذیرند. اما راهش این است که ما بیاییم درباره سند ۲۰۳۰ به صورت منطقی، حکیمانه، عقلانی و علمی با دنیا حرف بزنیم. تجربه ۲۰ ساله بنده می‌گویم که در گفت‌وگو با خیلی از شخصیت‌های خارجی جواب بهتری دیده‌ام تا بعضی از شخصیت‌های داخلی. چه اشکالی دارد که دولت یک سری جلسات بگذارد تا هم موافقان ۲۰۳۰ و هم منتقدان بیایند صحبت‌شان را بکنند تا بعد جمع‌بندی کنیم؟ یک مفاهیم مفیدی در سند هست که از آن استفاده می‌کنیم. غرب‌گزینی انتقادی این است دیگر. بنده موافق غرب‌زدگی نیستم بلکه موافق غرب‌گزینی انتقادی هستیم.

روح اله رضاعلی مشاور اجرایی سازمان، عبدالله اسدی مشاور در امور ارتباط با نهادهای سازمان، کوروش امیری نیا مدیرکل دفتر برنامه ریزی درسی و تولید بسته های تربیت و یادگیری آموزش های عمومی و متوسطه نظری، محمد ابراهیم محمدی مدیرکل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، صدیقه حسن زاده رییس اداره روابط عمومی و امور بین الملل از سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و دکتر مهدی مظفری نیا و سید محمد هادی میرطاهری نفرات دیگری از پژوهشگران اندیشکده روزگار نو و ۱۱۰ شرکت کننده به صورت مجازی نیز در این برنامه حضور داشتند.



طرح «بوم» فعلا در آغاز راه است

گفتگو با دکتر عظیم محبی، مشاور رئیس و دبیر برنامه ویژه مدرسه

طرح «بوم» یا همان برنامه ویژه مدرسه طرحی است که به منظور ارتقای مهارت‌های فردی و گروهی در مدارس پیگیری می‌شود. به این معنا که آموزش دانش‌آموزان صرفاً از طریق کتاب‌های درسی انجام نشود بلکه به سمت مهارت‌های عملی سوق پیدا کند.

این طرح سال ۱۳۹۷ در قالب شیوه‌نامه‌ای به کل مدارس متوسطه اول و دوره دوم ابتدایی ابلاغ شد. برای اجرای آن، مدارس مقاطع یاد شده در طول سال، ۶۰ ساعت از زمان آموزش دانش‌آموزان را در اختیار دارند و قرار است این زمان را صرف ارتقای مهارت‌های مختلف کنند. مدیران مدرسه آزادی کامل دارند تا از ظرفیت‌های بومی و محلی و همین‌طور مشارکت خانواده‌ها و معلمان به عنوان اولین کسانی که ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان دارند، استفاده کنند.



ندا آل‌طیب

فعلا در آغاز راه هستیم

دکتر عظیم محبی مشاور رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دبیر برنامه ویژه مدرسه، آن را آغاز یک حرکت بزرگ می‌داند و می‌گوید: فعلا در فاز یک هستیم و مدتی زمان می‌برد تا مدارس در جریان کامل امور قرار بگیرند ولی همه آنها آزاد هستند از تمام ظرفیت‌هایی که دارند، استفاده کنند.

اولین گام‌هایی که برداشته شد

در دو سال گذشته (سال ۱۳۹۷) بخش‌نامه مربوط به طرح «بوم» به همه استان‌ها ابلاغ شده است. از هر استان ۸ مدرسه به انتخاب خودشان مشخص شده است. ۴ مدرسه متوسطه اول و ۴ مدرسه ابتدایی؛ ۲ مدرسه دخترانه و



۲ مدرسه پسرانه. این مدرسه‌ها مورد ارزیابی کیفی قرار می‌گیرند و در حال حاضر هم ابزار این ارزیابی آماده شده است. به دلیل گسترش کرونا نمی‌توان ارزیابانی را برای مشاهدات عینی به مدارس فرستاد ولی خود استان‌ها ارزیابی می‌کنند و گزارش‌ها را ارایه می‌دهند.

بهره‌گیری از فضای مجازی به جای کارگاه‌های حضوری

پیش از این قرار بود برای اجرای این طرح ۲۰ درصد از مدیران مدارس سراسر کشور تحت آموزش‌های حضوری و کارگاهی قرار بگیرند ولی با همه‌گیری کرونا و تغییر همه برنامه‌ها، طبیعتاً این برنامه نیز دستخوش تحولاتی شد و قرار بر این شد تا مدیران مدارس کل کشور به صورت مجازی از این آموزش‌ها بهره‌مند شوند. در این شکل، از طریق فیلم آموزشی و معرفی کتاب، اطلاعات مدیران ارتقاء داده می‌شود. بر این اساس ۶۰ هزار مدیر مدرسه در سراسر کشور از این آموزش‌ها استفاده می‌کنند. به هر مدیری ۲۴ ساعت ضمن خدمت داده شده تا از طریق واحد آموزش وزارتخانه محتوایی را که در سامانه بارگذاری می‌شود، مطالعه کند و در مرحله بعد، ارزشیابی‌ها از اواخر مهر ماه آغاز می‌شود و تا آبان ماه ادامه خواهد داشت.

نیازسنجی؛ اولین گام اجرای برنامه

طبیعتاً هر مدرسه برای اینکه به برنامه بهتری دست پیدا کند، پیش از هر چیز باید به نیازسنجی دانش‌آموزان بپردازد. ممکن است دانش‌آموزان یک مدرسه در کار گروهی ضعف داشته باشند یا دچار خشونت شده باشند، کم تحرکی یا هر مساله دیگری که به عنوان یک نیاز از سوی مدرسه شناسایی می‌شود، فرصتی در اختیار مدیر و کارکنان آن مدرسه قرار می‌دهد تا بر اساس آن برنامه‌هایی را طراحی و اجرا کنند و این گونه است که برنامه‌های مدارس گوناگون متفاوت از یکدیگر خواهد شد.

روایت‌نگاری؛ شیوه‌ای برای ارزشیابی کیفی

نکته مهم دیگر ارزیابی اجرای این طرح است که پیش از این قرار بود با فرستادن تیم‌های ارزیاب انجام شود ولی به دلیل شیوع کرونا، این برنامه نیز با تغییراتی اجرا می‌شود. برای اجرای این امر، به هر استان چارچوبی ارایه و هر استان موظف شد بر اساس آن یک گزارش چند صفحه‌ای بدهد تا مدیران طرح «بوم» با مطالعه آن در جریان عملکرد استان‌ها قرار بگیرند. قرار است ارزشیابی کیفی به صورت روایت‌نگاری و تجربه‌نگاری انجام شود و هر استان تجربیات خود را در سامانه‌هایی که مشخص شده، قرار می‌دهد تا مدارس دیگر هم به آن دسترسی داشته باشند. تلاش بر این است که ارزیاب‌هایی از تهران هم به استان‌ها بروند. با تحلیل و بررسی گزارش‌ها، نکات مثبت مشخص می‌شوند. اگر شیوه‌نامه نیاز به بازنگری داشته باشد، حتماً شیوه‌نامه تازه‌ای برای سال آینده تدوین خواهد شد. چشم‌انداز فعلی این است که این طرح در یک برنامه ۵ ساله اتفاق بیفتد و به تدریج همه، آموزش‌ها را ببینند.





طرح بوم و آزادی کامل مدارس

حال که بعد از سال‌ها ۶۰ ساعت از زمان آموزش به مدارس سپرده شده، قرار نیست آموزش و پرورش در طراحی و اجرای آن، دخالتی داشته باشد یا چیزی را به مدارس تحمیل کند. بلکه همه آنها آزاد هستند از تمام ظرفیت‌هایی که دارند، استفاده کنند. آنها آزادی کامل دارند که از ظرفیت نهادهای محلی و فارغ‌التحصیلان خود بهره‌مند شوند. با خانواده‌ها و معلمان مشورت کنند و اگر لازم می‌دانند دانش‌آموزان را به فضای بیرون از مدرسه ببرند. همه اینها به خلاقیت مدیر و کارکنان آن مدرسه سپرده شده و انتظار می‌رود بعد از مدتی، مدارس گوناگون برای اجرای هر چه بهتر این طرح تجربه به دست بیاورند.

فرصتی برای تبادل تجربیات

طبیعتاً اجرای این طرح در هر مدرسه با تجربه خاصی همراه است. مدیر و برنامه‌ریزان طرح «بوم» هم این امکان را فراهم کرده‌اند تا مدیران مدارس مختلف از طریق کانالی که در شبکه «شاد» ایجاد شده، بتوانند تجربیات خود را در زمینه اجرای این طرح تشریح کنند و دیگر همکاران خود را از سراسر کشور در جریان این تجربیات قرار بدهند. شاید همین تبادل تجربیات، سبب شود برخی از مدیران دیگر راه کوتاه‌تری برای حل مشکلات و آسیب‌های دانش‌آموزان مدارس خود طی کنند.

چشم اندازه ساله

و آخرین نکته اینکه این طرح در حال حاضر به کل مدارس متوسطه اول و دوره دوم ابتدایی ابلاغ شده ولی در آینده به دیگر مقاطع تحصیلی هم ابلاغ خواهد شد. هدف این است که اول مهر آینده، مقاطع آموزشی متوسطه دوم، هنرستان، ابتدایی و فنی حرفه‌ای هم اضافه شوند. مدیران این طرح امیدوارند در یک برنامه ۵ ساله و با به دست آمدن تجربیات بیشتر، طرح «بوم» در تمام مقاطع آموزشی اجرا شود.





جشنواره بین المللی فیلم

جشنواره فیلم رشد در یک نگاه

کمتر کسی است که در حوزه فرهنگ و هنر فعالیت کرده باشد و نام جشنواره فیلم «رشد» را نشنیده باشد. هر چند این جشنواره بیشتر ویژه دانش آموزان، معلمان و فعالان عرصه تعلیم و تربیت برگزار می شود اما قدمت آن سبب شده دیگر فعالان حوزه فرهنگ و هنر هم از وجود آن آگاه باشند.

این جشنواره که پیشینه برگزاری آن به دهه ۴۰ می رسد، امسال پنجاهمین دوره خود را برگزار خواهد کرد. هر چند که این دوره به دلیل شرایط خاص دوران کرونایی، تفاوت هایی در مقایسه با دوره های گذشته خواهد داشت.

ندا آل طیب

نگاهی به دیروز

جشنواره بین المللی فیلم «رشد» یکی از قدیمی ترین گردهمایی اهالی هنر سینما در ایران است که با اهداف آموزشی و تربیتی برپا می شود. موسسان این جشنواره سال ها پیش دریافتند سینما به عنوان ابزاری کمک آموزشی به خوبی می تواند مورد استفاده قرار بگیرد و با همین نگاه، جشنواره فیلم «رشد» را به عنوان نخستین جشنواره آموزشی ایران پایه گذاری کردند تا امر آموزش محدود به کتاب های درسی نشود بلکه بر پرده نقره ای سینما هم جان بگیرد و حالا این جشنواره کاملاً تخصصی، هر سال با مدیریت وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و اهتمام سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، با هدف شناسایی، انتخاب و معرفی فیلم های برتر آموزشی و تربیتی، برگزار می شود.

از نخستین دوره تا به امروز

جشنواره بین المللی فیلم های آموزشی رشد نخستین بار در سال ۱۳۴۲ توسط اداره ی فعالیت های سمعی و بصری وزارت آموزش و پرورش، در تهران برگزار شد. در آغاز نام رسمی آن «فستیوال بین المللی فیلم های آموزنده» بود، اما پس از پنج دوره برگزاری، واژه فارسی «جشنواره» برای نامیدن این رویداد به کار گرفته شد و بدین ترتیب نام جشنواره در دوره ی ششم، در سال ۱۳۴۸ به «جشنواره بین المللی فیلم های آموزشی» تغییر یافت. پانزدهمین دوره ی برگزاری جشنواره و نخستین دوره ی برگزاری آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پس از





چند سال وقفه، با نام « جشنواره ی بین‌المللی فیلم‌های آموزشی و تربیتی»، با شرکت بیست و یک کشور، در سال ۱۳۶۴ همزمان با هفته ی معلم، از ۱۲ تا ۱۹ اردیبهشت ماه، در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد.

از دوره ی بیستم نام جشنواره به نام کنونی آن یعنی «جشنواره ی بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد» تغییر کرد.

این جشنواره از دوره ی بیست و سوم، در سال ۱۳۷۲ علاوه بر تهران، همزمان در مرکز استان هرمزگان، شهر بندر عباس نیز برگزار شد و از آن پس، تا دوره ی سی و یکم، جشنواره ی بین‌المللی فیلم‌های آموزشی رشد هر سال به صورت همزمان در تهران و استان‌های دیگر کشور برگزار شد. از دوره ی سی و یکم در سال ۱۳۸۰ تا کنون، جشنواره‌های استانی فیلم رشد به صورت ادواری و غیر همزمان در استان‌های مختلف کشور برگزار شده است.

نماد جشنواره رشد

با آغاز کار این جشنواره در سال ۱۳۴۲، انتخاب و اهدای جایزه‌ای منحصر به فرد برای اولین دوره آن، امری الزامی بود. بنابراین پیکره‌ای زیبا و کوچک با قدمتی ۱۲۰۰ ساله نتیجه جستجوی فراوان باستان‌شناسان در موزه ایران باستان بود. پیکره‌ای که در حفاری از تپه‌ای با نام دلفان در استان لرستان به دست آمده بود. برای تبدیل این پیکره به تندیس و نماد جشنواره، هنرمندان با ذوق ایرانی آن را به پیکره‌ای با رنگ‌های طلایی، نقره‌ای، و برنزی با پایه‌های مرمری درآوردند. نمادی از ایران و تمدن غنی آن که به صورت مداوم در چهارده دوره نخستین جشنواره به فیلم‌های برگزیده اهدا می‌شد.



پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جوایز جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آموزشی رشد در سه رنگ طلایی، نقره‌ای و برنز در قالب گل لاله به عنوان نمادی از جشنواره و برگرفته از خون پاک شهدا، کتاب باز نشانه تعلیم و تربیت و دو دست زیر آن نشانگر حمایت از امر آموزش و پرورش و در نهایت نمادی از فیلم به عنوان زمینه فعالیت اصلی جشنواره به برندگان هر رشته اهدا می‌شود.

وامادوره پنجاهم

از آنجاکه دبیرخانه جشنواره فیلم «رشد» دبیرخانه‌ای دائمی و در طول سال فعال است، همچون دوره‌های گذشته، اسفند سال پیش مکاتبات لازم با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره ثبت جشنواره در تقویم جشنواره سال ۹۹ انجام داد و اواخر تیرماه سید سعید بدیعی به عنوان دبیر جشنواره معرفی شد و دبیرخانه جشنواره از اوایل شهریور ماه فعالیت خود را با جدیت بیشتری آغاز کرد.

این جشنواره نیز همانند دیگر وجوه زندگی، تحت تاثیر کروناسست و به همین دلیل دبیر آن احتمال می‌دهد تعداد آثار دریافتی در دبیرخانه امسال کمتر از سال‌های قبل باشد. او البته معتقد است این موضوع در بخش‌های دانش‌آموزی و معلمان، تفاوت زیادی با سال‌ها قبل نخواهد داشت چراکه آنان از مهرماه ۹۸ فعالیت‌های تولید فیلم خود را شروع کرده بودند، بنابراین این دو بخش کاهش چندانی در آثار دریافتی نخواهند داشت.

از دیگر تفاوت‌های این دوره از جشنواره، برگزاری آن به شکل غیر حضوری است زیرا شیوع کرونا اجازه برگزاری به شکل حضوری و فیزیکی را نمی‌دهد.

آغاز به کار هیات انتخاب

اعضای هیات انتخاب فیلم‌های پنجاهمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد معلوم شده‌اند و کار خود را بزودی آغاز می‌کنند.

روح الله مال میر رئیس گروه برنامه‌ریزی جشنواره و قائم مقام دبیر این دوره از جشنواره گفته است که یک گروه ۳ نفره در بخش فیلم‌های داستانی کوتاه، یک گروه ۳ نفره در بخش فیلم‌های داستانی بلند، یک گروه ۳ نفره در بخش فیلم‌های مستند و یک گروه ۳ نفره در بخش فیلم‌های پویانمایی به زودی کار بازمینی آثار رسیده به دبیرخانه را آغاز و آثار برتر را برای ورود به بخش مسابقه مشخص خواهند کرد.

فرصتی دوباره برای ارسال فیلم

گرچه پیش از این قرار بود مهلت ارسال فیلم‌ها پایان مهر ماه باشد ولی به دلیل تقاضاهای مکرر برای تمدید مهلت ارسال آثار، این فرصت تا تاریخ ۱۸ آبان ماه تمدید شده است. بدیعی دبیر این دوره از جشنواره توضیح داده است که به دلیل شرایط خاص و متفاوت امسال





نسبت به سال‌های قبل و با توجه به اینکه بسیاری از هنرمندان از جمله فیلم‌سازان داخل و خارج از کشور در شرایط و محدودیت‌های سخت کرونایی به تولید آثار خود مشغول هستند، دبیرخانه فیلم رشد هم تا جایی که بتواند همکاری و مساعدت لازم برای رسیدن برخی از آثار تولیدی که مراحل فنی و پایانی کار را پشت سر می‌گذارند، انجام خواهد داد.

گروه‌های جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

این جشنواره در گروه‌های مختلفی به شرح زیر برگزار می‌شود:

- فیلم‌های آموزشی کوتاه و بلند
- فیلم‌های مستند کوتاه و بلند
- فیلم‌های انیمیشن کوتاه و بلند
- فیلم‌های تربیتی داستانی کوتاه، کودک و نوجوان - اولیا و مربیان
- فیلم‌های تربیتی داستانی بلند کودک و نوجوان - اولیا و مربیان
- نماهنگ

معلمان فداکار

این عنوان شامل مجموعه فیلم‌های آموزشی تربیتی در طی سالیان گذشته در بخش تولید دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. ترویج فرهنگ ایثار و از خود گذشتگی، معرفی و تقدیر از تلاش‌های ارزشمند معلمان در حیطه‌های گوناگون فعالیت در عرصه تعلیم و تربیت و جامعه از جمله اهداف اولیه تولید این مجموعه است.





راهکارهای یونیسیف به والدین برای ارتقای یادگیری دانش‌آموزان در دوران قرنطینه

بسته شدن مدارس، کار کردن از راه دور و فاصله فیزیکی افراد از یکدیگر به خاطر کرونا بهداشت روان آن‌ها و همچنین زندگی خانواده‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است. در این بین، رابرت جنکینز، رئیس بخش آموزش یونیسیف در دفتر مرکزی، پنج راهکار را به والدین جهت پیگیری کردن روند یادگیری فرزندانشان در دوران قرنطینه پیشنهاد داده است.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، با هم یک برنامه روزانه طراحی کنید

سعی کنید به کمک فرزندتان برنامه روزانه‌ای تهیه کنید که شامل برنامه‌های تحصیلی متناسب با سن او باشد، برنامه‌هایی که بتوان آن‌ها را به صورت آنلاین یا از طریق تلویزیون پیگیری کرد. در این برنامه، زمانی برای مطالعه و بازی در نظر بگیرید. از فعالیت‌های روزانه به عنوان فرصت‌هایی برای یادگیری او استفاده کنید و به یاد داشته باشید که هر وقت ممکن بود این برنامه‌ها را با همکاری هم عملی کنید.

با اینکه داشتن برنامه‌ای مدون و روزانه برای کودکان و نوجوانان بسیار حائز اهمیت است، توجه داشته باشید که فرزندتان در این دوران تا حدی به انعطاف‌پذیری نیاز دارد. این نکته را در فعالیت‌های روزانه مد نظر قرار دهید و اگر هنگام یادگیری به صورت آنلاین متوجه شدید که بی‌قرار است، فعالیت پر جنب و جوش‌تری را به او پیشنهاد دهید. به یاد داشته باشید که انجام دادن کارهای منزل به کمک همدیگر کمک شایانی به پیشرفت دادن استعدادهای عملی فرزندتان خواهد کرد. تا جایی که ممکن است با نیازهای او جلو بروید و در این زمینه انعطاف‌پذیر باشید.

مترجم شه‌تاو ناصری

بایکدیگر آزادانه بحث کنید

فرزندتان را تشویق کنید که از شما سؤال بپرسد و احساساتش را در میان بگذارد. به خاطر داشته باشید که کودکان ممکن است واکنش‌های متفاوتی به استرس داشته باشند بنابراین صبور باشید و او را درک کنید. از او بخواهید درباره یک موضوع خاص صحبت کند و خودتان سر بحث را باز کنید. درباره فعالیت‌های بهداشتی خوب حرف بزنید و از فرصت‌های مختلف در طول روز برای تأکید بر اهمیت بهداشت از جمله شست و شوی مکرر دست‌ها بهره ببرید. محیطی را





فراهم کنید که فرزندتان آزادانه با شما صحبت کند و در این بین، نقاشی کشیدن، قصه تعریف کردن برای هم و سایر فعالیت‌ها می‌تواند به شروع بحث کمک کند.

احساسات او را بپذیرید و اطمینان دهید که ترسیدن در چنین شرایطی طبیعی است. به او نشان دهید که سراپا گوش هستید و به صحبت‌هایش دقت می‌کنید. همچنین به فرزندتان اطمینان دهید که هر وقت بخواهد می‌تواند با شما و معلمش صحبت کنند. علاوه بر این، به او درباره اخبار نادرست هشدار دهید و خودتان هم مطمئن شوید که اطلاعات‌تان را از منابع معتبر می‌گیرید.

زمان بندی درستی داشته باشید

جلسات یادگیری را به صورت کوتاه شروع کنید و به تدریج آن‌ها را طولانی‌تر کنید. اگر هدف‌تان یک جلسه ۳۰ تا ۴۵ دقیقه‌ای است، با جلسه ۱۰ دقیقه‌ای شروع کنید و کم‌کم به زمان آن اضافه کنید. زمان یادگیری آنلاین فرزندتان را با فعالیت‌ها یا تمرین‌های غیرآنلاین ترکیب کنید.

براستفاده فرزندتان از امکانات آنلاین نظارت داشته باشید

پلت‌فرم‌های دیجیتال، فرصت مناسبی برای یادگیری کودک، بازی کردن و ارتباط گرفتن او با دوستانش در اختیار می‌گذارند اما صرف زمان بیش از حد پای رایانه، تبلت، یا گوشی، بر امنیت او و مالکیت خصوصی‌اش به شدت تأثیر سوء می‌گذارد. درباره اینترنت با کودک‌تان صحبت کنید تا از کاربردهای آن آگاه شود و اینکه طرز رفتار درست حین استفاده از پلت‌فرم‌های آنلاین مانند تماس‌های ویدیویی را بداند.

با همدیگر مقرراتی را درباره چگونگی و زمان استفاده از اینترنت وضع کنید. بر روی استفاده از ابزارهای آنلاین نظارت داشته باشید تا خطرات استفاده از آن‌ها را کاهش دهید. همچنین اپلیکیشن‌ها، بازی‌ها و سایر امکانات آنلاین مناسب را شناسایی کنید.

به یاد داشته باشید که نیازی نیست کودکان و نوجوانان تصاویری از خودشان یا سایر اطلاعات شخصی‌شان را برای دسترسی به ابزارهای دیجیتالی یادگیری به اشتراک بگذارند.

با مدرسه فرزندتان در ارتباط باشید

با معلم یا مدرسه فرزند خود در ارتباط باشید و هر سؤالی در ارتباط با تحصیل او دارید، را مطرح کرده و از آن‌ها راهنمایی بخواهید. تشکیل گروه‌های والدین هم می‌تواند شیوه خوبی برای حمایت از یکدیگر در تعلیم دادن کودکان در منزل داشته باشد.





علاقمندان جهت انتشار مطالب خود اعم از چکیده، مقاله و یادداشت تخصصی مرتبط با حوزه تعلیم و تربیت، الگوهای تدریس، برنامه‌ریزی آموزشی و... آثار خود را حداکثر در دو صفحه A_۴ به تحریریه نشریه به نشانی oerp@chmail.ir ارسال فرمائید. مطالب پس از بررسی منتشر می‌شود.

اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل

تهران | خیابان کریمخان | خیابان ایرانشهر | ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش | سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ | تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱ | نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۹۲۶۵ | سایت: www.oerp.ir